

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

موشک باران شهرها، جنایت وحشتناک رژیم

تنه راه جلوگیری از جنایت های جنگی، آتش بس بدون قید و شرط و اجرای قطعنامه ۵۹۸ است

چند هزار نفر از مردم به شدت مجروح و معلول شده اند. تا این ساعات که تیران هدف ۱۵ موشک قرار گرفته است، دهها واحد مسکونی و خدماتی واقع در مناطق پرجمعیت شهر ویران شده، چند هزار نفر زیر آوار مانده و یا بر اثر موج انفجار موشک ها، دچار سوانح و خیمی شده اند. نگرانی فزاینده ای بر تیران و دیگر شهرهای کشور حاکم شده است. بقیه در صفحه ۲

موملغان!
دور وحشتناک دیگری از جنگ شهرها، کشور را به خاک و خون کشانده است. خمینی و صدام، نهایتاً هر بار که سابقه جنون و جنایت را از سر می گیرند، تعداد بیشتر، اژم دم بی دفاع دو کشور را کشتار می کنند. طی سه روز گذشته، صدها خانواده هم وطن دیگر، مآذیرانشان را از دست داده اند و



دو شنبه ۸ فروردین ۱۳۶۷ - ۲۸ بهمن ۱۳۸۸
بها ۶۰ ریال سال پنجم شماره ۲۰۰

خمینی عید مردم را عزا کرد

اوج تازه جنایتکاری های

دور رژیم خمینی و صدام حسین

روزهای آغازین سال شاهد اوج گیری جنایتکاری های دور رژیم خمینی و صدام حسین بود. جنایتکاری هایی که همچنان ادامه دارد. روزی نبود و روزی نیست که در چندین شهر بمب و موشک فرو تبارد و در جبهه ها از کشته پشته ساخته نشود. خمینی به راستی عید مردم را عزا کرد. بر لعل جنگ کوفت. از جای امن با سعیت تمام اعلام کرد که ما از فرود آمدن موشکها خندان می شویم و باز زمین ساز خونریزی های وسیعی کشت که در تاریخچه نکبت بار جنگ کم تقابرتند.



تیز اوج گرفت و به کشتار جمعی در حلبچه منجر شد. جنگ، جنگ است چه در فرازش وجه در فرودش. چه در حمله به مناطق مسکونی تجلی یابد و چه در خونریزی در جبهه ها. چه حاد باشد و چه آرام. مطلق جنگ، خونریزی است. عقربت جنگ اگر دمی آرام می گیرد برای آن است که مترصد خونریزی وسیعتری است، آماده می شود تا به یکباره صدها هزاران نفر را در کام خود فروبرد. بقیه در صفحه ۲

بیش از آغاز سال، وقفه در روزه ای در جنگ شهرها پدید آمد. این بیرش مطرح شد که آیا این دور، دور آخر جنگ شهرها بود؟ آیا جنگ باز جریحه جنایتکارانه بیشتری را خواهد میمود؟ بیرش در افغان می چرخید که جنگ باؤ منطق خود را به رخ کشید، خونریزی، خونریزی های بیشتر و بیشتر، مقوز شاید چهاره های دور پیشین جنگ شهرها از زیر آوارها بیرون کشیده نشده بودند که دور تازه ای آغاز شد. جنگ در جبهه ها



اینها تیران است
... و آنچه
بفداد. دو صفحه
از جنایتکاری های
دور رژیم

نگاهی بر تحولات و ورخداهای اقتصادی کشور در سال ۶۶

حاکمیت بحران بر اقتصاد کشور

تحولات و ورخداهای اقتصادی کشور در سال ۶۶، نیز بسان سالهای پیش از آن به بحران حاد و مزمن اقتصادی زنجیر شده بود و جز با در نظر گرفتن این بحران نمیتوان شه به مرور وقایع اقتصادی در سال گذشته پرداخت و نه سیاستهای اقتصادی رژیم را مورد ارزیابی قرار داد. از این بابت دامنه سخن نمیتواند تنها به بحران اقتصادی محدود بماند، چرا که این بحران موضوع و حاصل سال ۶۶ نیست و باید به حدت این بحران توجه داشت. بحران اقتصادی حاکم بر کشور، بحرانی حاد است و حدت این بحران دم افزون است. بظاہر این سخن از بحران حاد اقتصادی و شیرازه گسیختگی اقتصاد کشور است، سخن از بحران حاد، است که تنها بر اقتصاد کشور سایه نیافکنده است، بل بر آن حکومت می کند و تمامی عرصه های اقتصادی کشور را در چنبره خود گرفته است. بحران اقتصادی کشور شه بحرانی ساده و تک عرصه ای، که بحرانی جامد و مرکب است و گرچه این بحران حاد اقتصادی، خود محصول فاکتورهای مشخص

و معینی است، اما حاصلش بیچ محدود به این و یا آن عرصه اقتصاد کشور نبوده، بلکه چون بحرانی "تمامیت گرا" هیچ عرصه و کراهه ای او فعل و انفعالات اقتصادی را از "حاصل" ویرانگر خود بی نصیب نمی نهد. سیاستهای اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی بطور عام و سیاستهای پولی و مالی دولت بطور خاص، مختصات اقتصاد جنگی که شه، مختصات "اقتصاد چنگزده"، علل و زمینه های بحرانی ساختی و عوامل دخیل بین المللی بر بستر اقتصاد تک پایه کشور... گرچه توضیح دهنده شدت وحدت بحران و خود بحران اقتصادی کشور هستند، ولی عواقب بحران اقتصادی، تماماً به اقتصاد کشور و همچنین به نوده های مردم منتقل شده و به استثنای محدودی که از پرورای بحران اقتصادی، خود پرور می شوند، نوده های مردم سه روزی و فقر و فلاکت به آستانه زندگی محقرشان می کشند. در زیر سایه حکومت فقها، "توزیع سرانه بقیه در صفحه ۱۰

انتشار دویستمین شماره نشریه اکثریت

نشریه ای را که در دست دارید، دویستمین شماره نشریه اکثریت است و با انتشار آن پنجمین سال انتشار "اکثریت" آغاز می شود. شماره نخست نشریه اکثریت در روزهای آغازین سال ۶۳ منتشر گردید و در سال بعد "اکثریت" با عنوان نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج کشور ایفای وظایف نموداری گرفت. طی همه این مدت کوشش ما در این بوده است که "اکثریت" بتواند برآورنده نیازها، ایرانیان مبارز و میهن پرست مقیم خارج کشور، در زمینه آگاهی مستمر از تحولات سیاسی و مبارزاتی در میهن ما و نیز جهان، باشد و بتواند به وتالیف یک نشریه انقلابی عمل کند. اکنون که در پایان چهار سال به گذشته ای که با فراز و نشیب طی شده است، نظر می افکنیم، امید و آرزوی ما اینست که دوری نیک خوانندگان "اکثریت" را با خود داشته باشیم.

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان

بقیه از صفحه اول

مردم صلح دوست! در دور جدید جنگ شهرها، علاوه بر بمباران وحشیانه همیشگی، موشک‌هایی مهیب با برد ۶۰۰-۵۰۰ کیلومتر نیز وارد میدان جنگ و جنون شده است. استفاده از این سلاح خطرناک، نه تنها در جنگ هشت ساله گذشته سابقه نداشته، بلکه در مقیاس بین‌المللی نیز بی سابقه است. رژیم جنگ طلب خمینی با ادامه این جنگ تبهکارانه و رژیم صدام با وحشیگری‌های جنایتکارانه خود، دو کشور ایران و عراق و به‌ویژه کشور ما را به عرصه آزمایش مدرن‌ترین سلاح‌های مگ بار تبدیل کرده‌اند.

هم میهنان!

این فاجعه مینک و خونین که مردم کشور را در آستانه نوروژ به عزا تشافده است، قبل از همه نتیجه امتناع رژیم آتش افروز خمینی از پذیرش بی‌قید و شرط آتش‌بس و مخالفت آن با اجرای قوری و کامل قطعنامه ۵۹۸ است. این جنایات هولناک تنها در شرایط ادامه جنگ می‌تواند اتفاق بیفتد، تا جنگ ادامه دارد، جنایت‌های بزرگ و بزرگ‌تر، همچنان صورت خواهد گرفت. شکایت رژیم ریاکار خمینی به مراجع بین‌المللی به خاطر فرار از مسئولیتی است که این رژیم در قبال فاجعه تکان‌دهنده اخیر دارد. رژیم جنگ افروز خمینی که آشکارا و وقیحانه به همه تلاش‌ها، صلح‌خواهانه بشریت صلح دوست معتبر بین‌المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد، دهن کجی نموده و همه اقدامات مسلولانه برای قطع این جنگ خانمانسوز را رد کرده است، در ادامه جنگ و وقوع جنایت‌های جنکی، مسئولیت درجه اول را بر عهده دارد.

همولمان صلح دوست!

تنها راه واقعی جلوگیری از تکرار فاجیح دهشتناک نظیر بمباران‌ها و موشک‌باران‌ها، قطع بلادرنگ جنگ است. راه مقابله با تکرار این فاجیح، نه تجهیز دو طرف درگیر جنگ به سلاح‌های مدرن و مدرن‌تر، و نه عمل مقابله به مثل است. بیرون رفت از وضع غمبار موجود، امکان‌پذیر است. رژیم خمینی است که با ادامه جنگ، وض را به بن‌بست کشانده، اگر رژیم به قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت کردن نهد، دیتیر دلیلی برای ادامه جنگ و بهانه‌ای برای کشتارهای بزرگ و وحشیانه مردم میهن‌ماباقی نخواهد ماند. این رژیم جنایتکار خمینی است که باید به خواست صلح مردم ایران و بشریت صلح دوست تن در دهد. باید با تشدید مبارزه در راه صلح، آتش این جنگ خانمانسوز را خاموش کرد. با همه تیر و باید خواستار برقراری آتش‌بس بی‌قید و شرط و اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت شد. همدردی واقعی با خانواده‌های داغدار فاجعه اخیر، و تنها راه جلوگیری از تکرار فاجیه تکان‌دهنده جنگ، تشدید مبارزه علیه رژیم جنگ افروز خمینی و بیکار در راه صلح است.

تنگ و تفرق بر جنایتکاران جنگی!

زنده باد صلح، مگ بر خمینی جنگ افروز!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۲ اسفند ۱۳۶۶

اوج تازه جنایتکاری‌های

بقیه از صفحه اول

تا جنگ هست، چرخه فاجعه‌بار همیشگی تکرار می‌شود. فتح‌های کوچک با قربانیان بزرگ، حمله‌ای در جبهه‌ها، جنگ شهرها و باوجود جبهه‌ها و باوشهرها، می‌کشند و عده کشتارهای بیشتر می‌دهند.

ماشین جنگی چون می‌خواهد، بدان فرمان می‌دهند تا جان بستانند، حال چه با بمب، چه با آتش توپخانه، چه با تانک، چه با موشک و چه با بمب شیمیایی. و تا زمانی که جنگ در جریان است همین رو و همین روزگار برقرار است.

رژیم خمینی خواهان جنگ است. جنگ آدم‌کشی است در یک مقیاس فاجعه‌بار. جنگ دو طرف

فرا تر از جنایت:

بمباران شیمیایی حلبچه

هر دو رژیم در این تبهکاری سپیمنند

صدها و شاید هزارها نفر بر اثر انتشار گازوسی، که ترکیبی بود از گاز خردل و اسید آبی (سیانید) درگذشتند. دیوارهای فلور قبیله نمی‌توانند در برابر این گاز حکم حفاظت داشته باشند. در شهر سردابه‌ای را دیدیم که به قربانگاه یک خانواده تبدیل شده بود. گازوسی، که از هوا فکین تراست در سردابه رسوخ کرده و آفاضی را که در آنجا پناه گرفته بودند، کشته بود.

این نخستین باری نیست که رژیم عراق به استفاده از گازهای شیمیایی متوسل می‌شود. رژیم خمینی نیز چنین جنایت‌هایی را مرتکب شده است و در تدارک آن است که در این زمینه او رژیم صدام حسین عقب نماند.

این تبهکاری‌های هولناک ذاتی مطلق این جنگ ارتجاعی است. جمهوری اسلامی اکنون بر کشتگان حلبچه و قبیله نرمان، و قبیله مرهوان و سردشت اشک تساح می‌ریزد. رژیم آشکارا فرسند است و این می‌رساند که چه‌سان در این جنایتکاری‌ها سهیم است.

در یک آن ۵۰۰۰ کشته. این است جنگ ارتجاعی ایران و عراق! این است جنگ دو آدم‌کش! تا جنگ هست باوجود فاجیح دیگری آفریده خواهد شد. فاجعه حلبچه باؤم تکرار خواهد گشت. سردمدار و تبهبره این فاجیح خمینی است. نفتک بر او صدام حسین فرمان به قتل‌عام حلبچه داد. قدرت بر او تاریخ خمینی و صدام حسین را در گور مشترکی دهن خواهد کرد.

در هفته گذشته خبر فکار و رونق‌نامه واشینگتن بست شهر حلبچه را این‌گونه توصیف کرد: "در خیابان‌های شهر هنوز جفاژه پیش از صد زون و کودتک و پهر مره به چشم می‌خورد. در بدن و خمی اندازند، عده‌ای آرام بر روی زمین آرمیده‌اند و در چهره عده‌ای دیگر، حالت احتضار هویدا است. در کنار آنها اجساد حیوانات قبیله مشاهده می‌شود."

شهر حلبچه قربانی جنایتکاری مشترک دو رژیم خمینی و صدام حسین است. این یک به شهر حمله برده و آن دیگری بر آن بمب شیمیایی افکند است. جنایت در ساعت دو بعد از ظهر رو و چهارشنبه ۲۵ اسفند اتفاق افتاده است. گفته می‌شود که پس از این که شهر به اشغال نیروهای جمهوری اسلامی درآمد یک هواپیمای عراقی این جنایت را آفرید. عراق مفکر فشیبه است و قبیله مدعی است که شهر کاملاً خالی از سکنه بوده است. اما جفاژه‌ها جزو این می‌گروند، آنهم نه یک جفاژه، نه دو جفاژه، صدها جفاژه، چند هزار جفاژه. جمهوری اسلامی تعداد قربانیان جنایت را ۵۰۰۰ نفر کشته و ۵۰۰۰ زخمی ذکر می‌کند. بی‌گمان رنما او اینهم اگر درشت تر بودند خمینی خوشحالت‌تر می‌شد، همان‌گونه که صدام.

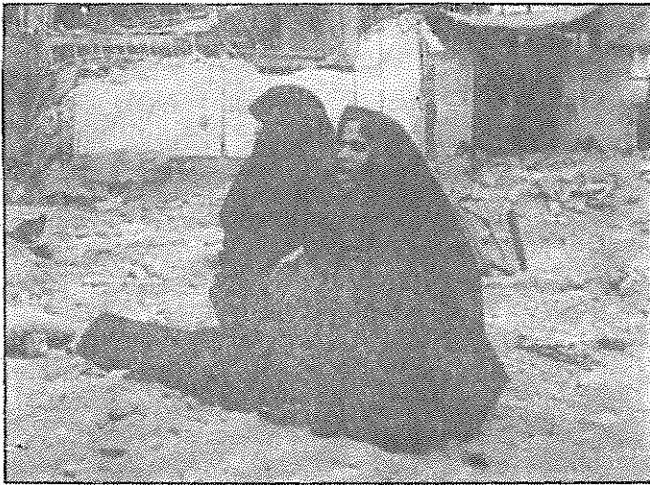
به نوشته خبرنگار واشینگتن بست، جنایت این‌گونه اتفاق افتاد: "به ناگهان گاز سفید رنگی که به زودی می‌مؤد در خیابان‌های شهر پخش شد. اهالی راهی برای فرار نداشتند.

تولید سلاح‌های شیمیایی در ایران با کمک یک شرکت آلمانی

درصد است در این زمینه مستقیماً از رژیم بغداد تقابند کند. در عراق نیز کارخانه تولید مواد شیمیایی کشاورزی واقع در ۶۰ کیلومتری شمال غربی بغداد که آنهم با کمک یک شرکت آلمانی تاسیس شده به تولید سلاح‌های شیمیایی اختصاص یافته است. اکنون افکار عمومی در آلمان فدرال در رابطه با قرارداد شرکت لورگی با رژیم خمینی ایران نگرانی می‌کند. باید با افشاکری وسیع در این زمینه و اشاره به فاجعه حلبچه جلوی احداث کارخانه تولید سلاح‌های شیمیایی در ایران را گرفت.

در رو و ۵ شنبه ۲۶ فروردین، یک رو و پس از فاجعه حلبچه این خبر در رو و نامه‌های آلمان فدرال فاش شد که یک شرکت آلمانی به نام لورگی که مرکز آن در شهر فراکتفور است، در صد احداث یک کارخانه مواد شیمیایی برای رژیم خمینی است. طرف قرارداد این شرکت، وزارت کشاورزی جمهوری اسلامی است. اکنون سه ماه است که کار احداث کارخانه آغاز شده است. کارخانه‌ای که در دست احداث است به‌سادگی قادر به تولید سلاح‌های شیمیایی خواهد بود. جمهوری اسلامی

روزشمار خونریزی و جنایت



دولت ایران ۶۰۰ نفر ایرانی در چنگک شیرما کشته شده اند.

سه شنبه ۲ فروردین (۲۲ مارس)

- این روز در جمهوری اسلامی "روز پاسدار" بود. به همین مناسبت تبلیغات جنگی رژیم اوچ گرفت. حمله موشکی به تهران به تأیید رسمی رژیم ۵ کشته بر جانها داد. این سی و بیست و هفتمین موشک در عرض ۹ روز پیش از این بود.

- در این روز خبرهای متعددی در مورد "چنگک نفتکشها" انتشار یافت.

- حمله قایقهای رومی جمهوری اسلامی به یک کشتی فرژی دارای پرچم ستقاپور، یک نفتکش یونانی، یک نفتکش ژاپنی دارای پرچم لیبریا و یک کشتی تجاری اسپانیایی از جمله این خبرها بودند. در جریان حملات دریایی تعداد کثیری ملوان کشته و زخمی شدند.

- جمهوری اسلامی اعلام کرد که چهار روستا از توابع مریوان و دو روستا از توابع سردشت مورد حمله شیمیایی قرار گرفتند.

پنجشنبه ۳ فروردین (۲۳ مارس)

- در ساعت ۷ و ۵۵ دقیقه بمباراد یک موشک به سوی بغداد شلیک شد.

- قایقهای جنگی جمهوری اسلامی یک کشتی قبرسی را به آتش کشیدند.

پنجشنبه ۴ فروردین (۲۴ مارس)

- جمهوری اسلامی اعلام کرد که در حمله پنجم عملیات والفجر ۱۰ را آغاز کرده است. رژیم مدعی شده که در جریان این عملیات ۴۵۰۰ سرباز عراقی را اسیر کرده است.

- در این روز ۶ موشک به تهران

جمعه ۲۸ اسفند (۸ مارس)

- جمهوری اسلامی اعلام کرد شهر نوسودرا از تصرف نیروهای عراقی خارج ساخته است.

- جمهوری اسلامی شهرهای موصل و اربیل را مورد حمله هوایی و شهرهای نوبین و بصره را مورد حمله توپخانه‌ای قرار داد. عراق ۷ موشک به سوی تهران پرتاب کرد. صدام حسین در مصاحبه با روزنامه مصری، الاهرام اعلام کرد عراق برد موشکهای "الحسین" را از ۶۵۰ کیلومتر به ۸۵۰ کیلومتر رسانده است.

- قایقهای توپدار جمهوری اسلامی به یک کشتی پانامایی حامل گاز مایه و یک نفتکش نروژی حمله بردند.

شنبه ۲۹ اسفند (۹ مارس)

- عراق اعلام کرد که در این روز ۲۷۰ مورد پرواز جنگی علیه شهرهای ایران و مراکز نظامی صورت گرفته است. در این روز یک موشک دیگر از سوی سپاه پاسداران خمینی به سوی بغداد شلیک شد. خبرگزاری‌ها در این روز تعداد موشکهای پرتاب شده از سوی طرفین از روز ۲۹ فوریه تا ۱۸ مارس را جمعا ۲۰۰ فروند اعلام کردند.

- در این روز تبلیغ فارسی شامد چندین حمله هوایی از سوی عراق بود. خارک شدیداً بمباران شد. دو نفتکش ایرانی به شدت آسیب دیدند.

یکشنبه ۲۰ اسفند (۲۰ مارس). - روز تحویل سال نو

- تمام شهرهای در تیررس موشکها و هواپیماهای عراقی غرق در شگراف و اضطراب بودند. عید رفتن عزای خود گرفته بود. همه در این روز انتظار بیشتری حمله را داشتند. قبل از تحویل سال بین ساعت ۸ و ۹، شهرهای دوقول و باختران مورد هدف قرار گرفتند. جمهوری اسلامی همزمان با حمله به این دو شهر، (۱ موشک به سوی بصره پرتاب کرد. در این روز بغداد نیز مورد حمله موشکی قرار گرفت.

دوشنبه اول فروردین (۲۱ مارس)

جمهوری اسلامی اعلام کرد که حملات هوایی عراق در این روز ۲۵ کشته به جانها داد. همدان و بروجرد از جمله شهرهایی بودند که مورد حمله قرار گرفتند. در این روز خبرگزاری‌های خارجی اعلام کردند که در سه هفته گذشته بمباران‌های

اصابت کرد بمباران خبرگزاری جمهوری اسلامی برابر اصابت این موشکها به مناطق مسکونی تهران ۱۱ نفر کشته شدند. جمهوری اسلامی نیز دو موشک به سوی بغداد پرتاب کرد. بصره و مناطق اطراف آن نیز زیر آتش توپخانه قرار داشتند.

جمعه ۵ فروردین (۲۵ مارس)

- در شب جمعه ۵ فروردین، بصره به شدت زیر آتش توپخانه جمهوری اسلامی قرار داشت. در روز جمعه به سوی این شهر ۶ موشک دیگر پرتاب شد.

خانقین نیز مورد اصابت موشک قرار گرفت. نفتخانه، مقدلی و علی غربی از دیگر شهرهای مورد حمله جمهوری اسلامی بودند. در این روز شوشتر، میاندوآب، بروجرد، همدان و باختران مورد حمله عراق قرار گرفتند. برابر بمباران این شهر چند صد نفر کشته شدند.

- عراق به دو نفتکش در خلیج فارس حمله برد.

- در این روز ترکیه به خاطر بمباران مناطق مرزی این کشور، به جمهوری اسلامی اعتراض کرد.



صحنه ای از عملیات والفجر

- جمهوری اسلامی در این روز آتش توپخانه خود را بر روی سد دربندی‌خان در شمال عراق متمرکز کرد. در صورت ویران شدن این سد، سیل مناطق مسکونی اطراف آن را در کام خود فرو خواهد برد. برق مناطق شمالی عراق نیز قطع خواهد شد.

شنبه ۶ فروردین (۲۶ مارس)

- عراق در ساعت ۲ و ۴۰ دقیقه بعد از ظهر دو موشک به فاصله یک دقیقه به سوی تهران شلیک کرد. شهر ایلام نیز به شدت بمباران شد. در این روز شهرهای شرقی عراق نیز آتش توپخانه جمهوری اسلامی قرار داشتند.

- خاور بروجرد و کوئینار دبیرکل سازمان ملل کاربست بمبهای شیمیایی در جنگ ایران و عراق را به شدت محکوم کرد و تأکید نمود که عراق در جنگ از این نوع بمبها استفاده می‌کند. خاور بروجرد و کوئینار همچنین اعلام کرد که به زودی یک هیات دو نفره از سوی سازمان ملل برای تحقیق در این مورد به ایران فرستاده خواهد شد.

- در این روز، روزنامه الثورة ارگان حزب بعث عراق نوشت که اگر جمهوری اسلامی پیشهاد آتش بس را نپذیرد، عراق به موشک باران تهران و دیگر شهرهای ایران ادامه خواهد داد.

یکشنبه ۷ فروردین (۲۷ مارس)

حملات موشکی به سوی مراکز و شهرهای مهم دو کشور ادامه یافت. ساعت ۸ بمباراد تهران و اصفهان هدف اصابت ۴ موشک عراقی قرار گرفتند. لحظاتی پس از حملات موشکی عراق، چهار موشک توسط واحدهای موشکی پاسداران به سوی بغداد و بصره شلیک شد. شهرهای علی غربی، نفتخانه، مقدلی، نوبین، بصره، خانقین و الاماره گلوله باران شدند. شمار قربانیان جنایات این روز هنوز انتشار نیافته است.

اجلاس، با ارسال نامه‌ای به شریف‌الدین بیرزاده دبیر کل کنفرانس اسلامی به این بهانه که جمهوری اسلامی مخالف برگزاری اجلاس در امان است، از شرکت در آن خودداری ورزید و از بیرزاده خواست که کنفرانس تصمیم مساعدی پیر امون جنگ ایران و عراق اتخاذ نکند.

روز چهارشنبه محمد علی تسخیری، مدیر کل روابط بین‌المللی وزارت ارشاد اسلامی که به جای ولایتی در کنفرانس امان شرکت کرده بود، در اعتراض به سایر مورد بحث در اجلاس از شرکت در جلسات بعدی این خودداری کرد و روز دوشنبه به تهران بازگشت. انتقاد شدید اعضای کنفرانس نسبت به ادامه جنگ و نقش ایران در بلوای خونین مکه، اعتراض تهران را برانگیخت و دولت به هیات نمایندگان خود دستور داد که اردن را ترک کنند. در اجلاس، جمهوری اسلامی به بنو آفرینی در مکه متمسک شد و از سوی مصر یک قطعنامه پیشنهادی مبنی بر مسکومیت رژیم تهران در جنگ نیز به تصویب ابراهیم شد.

اجلاس قبلی وزرای کشورهای اسلامی در سال ۸۷ در کویت برگزار شد. در این اجلاس شرکت کنندگان متعهد شدند در صورت نفوذ جمهوری اسلامی به خاک عراق، از بقا و حمایت کنند.

تاسیس مدارس خصوصی تصویب شد

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در آخرین روزهای نمایندگی‌شان لایحه تاسیس مدارس غیر انتفاعی را از تصویب گذراندند.

شدت مورد انتقاد قرار دادند. در بخشی از این نامه آمده است، "با توجه به مصاحبه‌هایی که اخیراً از سوی وزیر کشور و معاونین ایشان در ارتباط با انتخابات به عمل آمده و از رسانه‌ها گروهی پخش گردیده و پخش می‌شود رعایت حدود مرز مجریان و نثار در امر انتخابات نمی‌گردد و آشکارا خیلی از قوانین و موازین زیر پا گذاشته می‌شود. خواهشمندیم به وزیر محترم کشور تذکر دهید در مصاحبه‌ها و بی‌شماره‌ها رعایت نص صریح قانون انتخابات را فرموده و در امور مربوطه نظارت که منحصر به شورای نگهبان می‌باشد دخالت ننماید."

یک روز پس از انتشار نامه نمایندگان، جامعه‌ای طی مصاحبه‌ای با روزنامه رسالت، ضمن تأکید بر عدم "تضعیف نقش شورای نگهبان"، گفت: نقش وزارت کشور اجراست و نقش شورای نگهبان نظارت.

شورای نگهبان پیش از انحلال هیات اجرایی حوزه انتخاباتی تهران، صلاحیت ۲۰ تن دیگر از ناظرین وزارت کشور را رد کرده بود.

هیئت نمایندگان جمهوری اسلامی

کنفرانس اسلامی را ترک کرد

به دستور دولت، هیات نمایندگان جمهوری اسلامی چهارشنبه هفته گذشته کنفرانس جهانی کشورهای اسلامی را پیش از پایان اجلاس ترک کرد. این کنفرانس با شرکت همه وزرای خارجه کشورهای اسلامی در امان، پایتخت اردن برگزار شد. ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، پیش از برگزاری

از سوی شورای نگهبان هیئت اجرایی حوزه انتخاباتی تهران غیر قانونی اعلام شد

در آستانه برگزاری انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی، از سوی هیات نظارت بر انتخابات، هیات اجرایی تهران که منصوب وزارت کشور بود، توسط شورای نگهبان منحل و فاقد اعتبار قانونی اعلام شد.

روز یکشنبه ۲۲ اسفند، ۴ روز پس از آغاز ثبت نام کاندیداهای نمایندگان مجلس، روابط عمومی هیات نظارت شورای نگهبان بر انتخابات با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد نظر به اینکه در انتخابات اعضای هیات اجرایی تهران مفاد قانون انتخابات رعایت نگردیده است، علی‌هذا این هیات فاقد اعتبار قانونی می‌باشد.

"بخش سیاسی روزنامه رسالت" در توضیح پیرامون تصمیم شورای نگهبان برای انحلال هیات اجرایی وزارت کشور در حوزه انتخاباتی تهران، با استناد به اصلاحیه ماده ۲۳ و ۲۴ قانون انتخابات که اخیراً در مجلس به تصویب رسیده است، نوشت: "انتخابات هیات اجرایی باید با حضور و تأیید هیات نظارت شورای نگهبان باشد، لذا چون این انتخابات بدون حضور و تأیید هیات نظارت شورای نگهبان بوده است، با قانون انتخابات مغایر است." هم‌زمان با صدور اطلاعیه هیات نظارت شورای نگهبان، ۲۱ تن از نمایندگان مجلس با ارسال نامه‌ای به رئیس‌جمهور، مجلس، اقدامات وزیر کشور را به

لایحه بودجه سال ۱۳۶۷ با ۱۷۰ میلیارد ریال کسری تصویب شد

لایحه بودجه سال ۶۷، پس از چند هفته بحث و بررسی در مجلس، پنجشنبه هفته آخر اسفند به تصویب نهایی رسید. مبنای بودجه پیشنهادی دولت از حیث درآمدها هزینه‌ها ۸/۷۸۷/۰۲۷/۱۴۰/۰۰۰ ریال بود که توسط کمیسیون به ۸/۹۶۲/۱۷۹/۱۹۷/۰۰۰ ریال افزایش یافت.

به‌هنگام شروع بررسی بودجه، مقرر کمیسیون مجلس توضیحاتی پیرامون منابع درآمدها، دولت و ارقام آن ویرداختن به نمایندگان ارائه داد. در گفت‌وگو لایحه مصوب کمیسیون، بودجه عمومی ۴۲۸۸ میلیارد ریال، درآمدها، عمومی و سایر منابع تأمین اعتبار ۳۹۸۰ ریال، مالیات با تفکیک مالیات اشخاص، و حقوقی و حقوقی ۱۱۶۴ میلیارد ریال، نفت ۸۸۴ میلیارد ریال، استفاده از وام‌ها، داخلی ۱۱۳۷ میلیارد ریال، برکستی از پرداختها، سال‌ها، قبل ۱۱۵ و درآمدهای اختصاصی ۳۶۷ میلیارد ریال، بودجه شرکتها، دولتی و بانکها ۵۰۴۹ میلیارد ریال، درآمدها ۴۸۴۲ میلیارد ریال، استفاده از وام‌ها، داخلی ۲۰۵، و استفاده از بودجه موسسات انتفاعی وابسته به دولت ۲۴ میلیارد ریال منظور شده که جمع کل ارقام فوق ۹۴۲۲ میلیارد ریال می‌باشد. با کسر ۴۷۰ میلیارد ریال به عنوان اقلیمی که دوبار منظور شده‌اند، جمع دریافتیهای بودجه کل کشور ۸۹۶۲ میلیارد ریال می‌شود.

حایر، زاده با ارزیابی ارقام فوق و ناتوانی دولت در تأمین منابع درآمدی بودجه نتیجه گرفت که بودجه سال آتی بیش از ۱۷۰ میلیارد

ریال کسری خواهد داشت. وی گفت از مبالغ کل پیشنهادی دولت و مصوب کمیسیون مجلس، ۱۶۴ میلیارد ریال به بولایه مالیاتها، ۱۴۰ میلیارد ریال درآمد پیش‌بینی شده بر این نفت، ۵۵۰ میلیارد ریال از ردیف مربوط به درآمد فرآورده‌ها و صادرات مستقیم و ۲۵۰ میلیارد ریال به بولایه ردیف سایر درآمدها تأمین نخواهد شد و اضافی است.

و در مورد علت عدم تأمین درآمدها توضیح داد که تأمین همه درآمدها، فوق‌متکی به ارز است و وضع مالی دولت در سال ۶۶ بیانگر آن است که سال آتی بهتر از سال گذشته نخواهد بود. حایر، زاده در ادامه سخنان خود افزود: "سال که اصلاحیه بودجه سال ۶۶ آمده و ۲۵۰ میلیارد ریال از عمرانی‌ها کم کرده و سقف بودجه چهارم افزایش یافته دیگر این مبلغ مفهوم ندارد و بیش از ۷۰ میلیارد ریال حاصل نخواهد شد مفهوم این سخن آن است که چون هزینه‌ها وجود دارد این مبلغ به سقف کسری اضافه خواهد شد. کسری را حدود ۱۷۰۰ میلیارد ریال خواهد رساند." و در بخش پیرامون سقف هزینه‌ها در بودجه حایر، زاده اظهار کرد: "بخش هزینه‌ها که ۸۲۱ میلیارد ریال گذاشته شده بیشتر از ۶۵۰ میلیارد ریال عملکرد سال ۶۶ خواهد شد و ۱۷۰ میلیارد ریال آن را مطلقاً اصلاحیه سال ۶۶ خواهد آورد و معنای اقتصادی این اعداد و ارقام آن است که سال مالی آینده، تورم بالای ۲۰ درصد راه خواهد داشت."

سخنان یکی دیگر از نمایندگان پیرامون لایحه بودجه سال ۶۷ حاکی از آن است که در سال آتی درآمد سه‌انگه و درآمد ملی باز هم به سیر نزولی خود ادامه خواهد داد و دامنه فقر ورتود اقتصاد گسترش خواهد یافت. بنا به توضیحات نماینده مذکور در فاصله سالها، ۶۴ تا ۶۶ درآمد سه‌انگه به ترتیب از ۶۸ هزار ریال به ۵۸ و ۵۴ هزار ریال در سال جاری کاهش یافته است. یعنی ماهانه ۴۵ تومان. همچنین با تصویب بودجه دولت موسوم به برنامه ۶۷، درآمد ملی و حجم تولید کشور رانیز کاهش خواهد یافت. میزان کاهش در بخش صنعت و معدن ۱۰ درصد، برق، گاز و آب ۲/۵ درصد و در بخش ساختمان ۵ درصد خواهد بود. عدم تعاقب تولید و درآمد ملی و رشد نقدینگی سه‌دو هزار میلیارد ریال - بیکاری و تورمی بالای ۲۰ تا ۲۵ درصد فشار آن بر مردم و بین جامعه است، تحمیل خواهد کرد.

نماینده دیگر با انتقاد از مدافعین بودجه دولت موسوم به سقف کسری در این بودجه گفت: "اگر ما همه کسری‌ها، بودجه را روزه، هم بریزیم به اعتقاد کارشناسان چیزی، بالاتر از دو هزار میلیارد ریال ما کسری بودجه داریم ولی اگر خوش‌بینانه بآن برخورد کنیم چیزی حدود دو هزار میلیارد ریال ما کسری بودجه داریم مگر شما تمام بودجه‌تان چند هست که نزدیک به دو هزار میلیارد ریال بخواید کسری بودجه داشته باشد. ما تمام بودجه‌مان به چهار هزار نمی‌رسد عیب داری و روش تصدو هشتاد و یک میلیارد ریال است بعد قریب به نصف این بودجه بفاست استقراض بشود."

بشکه در روز به ۱۹۷ هزار رسیده بودند، اعلام داشتند و این پس بازاری واردات خود را متناوب خواهد کرد.

از میان دیگر رویدادها

* خبرگزاری رویتر به نقل از سخنگوی اداره گمرک انگلستان اعلام کرد که ۱۶ تن از وابستگان رژیم جمهوری اسلامی که در لندن مشغول معامله اسلحه برای رژیم خمینی بودند دستگیر شدند. پیش بینی شده است که عده زیادی در این زمینه فعالیت دارند و امکان دستگیری آنها می‌رود. در جریان دستگیری عاملان خرید اسلحه برای رژیم تهران، ۱۲ شرکت موردتجسس قرار گرفتند تا مقابله صدور قذافات بدکی برای هواپیماهای چینی کشف شود. در گزارش رویتر به نام شرکت‌ها، فروشنده سلاح اشاره شده است. انگلستان نیز از جمله کشورهای است که علیرغم مفاضات رژیم تهران با آن، صدور اسلحه از سوی آن به ایران همچنان ادامه داشته است.

* بارش باران‌های شدید و سیل‌آسا طی چند روز گذشته در استان‌های کشور منجر به لغیان رودخانه‌ها و جاری شدن سیل شد و در نتیجه صدها راس از احشام روستائیان شهرهای خرم‌آباد، سوسنگرد، چهارمحال بختیاری، شیرکرد و سیستان تلف شدند. در منطقه سیستان ۴ تن طعمه سیل شدند و عده کثیری مجروح گردیدند. در بندر لنگه نیز یک تن جان خود را از دست داد و ۴۴۰ تن مجروح شدند.

* بنا به نوشته مطبوعات دولتی از اول سال ۶۷، دستور کارگران مشمول قانون کار از ۷۶ ریال در روز به ۸۲۰ ریال افزایش مییابد. این مبلغ حتی بخش ناچیزی از فشار مالی قاتی از کرائی و تورم که مستقیماً توسط دولت تشدید می‌شود را جبران نخواهد کرد. بنا به برآوردها در سال آینده درآمد سرانه ۲۵ درصد کاهش خواهد یافت و تورم بیش از ۵۰ درصد خواهد بود. در چنین شرایطی دولت عوام‌فریبانه تنها ۷۰ ریال به دستبند کارگران آفهم فقط کارگران مشمول قانون کار افزوده است.

هفته گذشته ۷ کشور تولیدکننده نفت غیر عضو اوپک در لندن گرد هم آمدند و بحران موجود در جهان نفت را مورد بررسی قرار دادند. از نتایج این اجلاس هیچ خبری در مطبوعات منتشر نشد. تثبیت قیمت پایه برای هر بشکه ۱۸ دلار و سقف تولید تا ۱۸ میلیون بشکه در روز، اگرچه در اجلاس گذشته وزیران نفت در وین مورد تأیید قرار گرفت اما طی این مدت هم قیمت پایه و هم میزان تولید هر یک از اعضا، تحت تأثیر مذاکرات درونی اوپک، کاهش ارزش دلار، نوسانات عرضه و تقاضا، افزایش تولید کشورهای غیر عضو اوپک، جنگ ایران و عراق بی‌ثبات بوده و چاره‌اندیشی‌های هر یک از اعضا نیز به نتیجه مثبتی نرسیده است.

عربستان سعودی بزرگترین تولیدکننده عضو اوپک به دنبال اجلاس وین، هم‌زمان با تغییر میزان تولید خود از ۴/۱ میلیون بشکه به ۴/۲ میلیون بشکه در روز اعلام کرد که در بهای نفت تحویلی به شرکای خود در شرکت آمریکایی "آرامکو" تخفیف قابل خواهد شد تا این شرکت‌ها در بازار جهانی قادر به رقابت باشند. در پی این تصمیم قیمت هر بشکه نفت عربستان با ۴ دلار کمتر از بهای رسمی اوپک در اختیار شرکت‌های "اکوان"، "موپیل"، "نکواکو" و "شورون" قرار گرفت. شرکت‌های ژاپنی، شرکت دولتی نفت پرویل (پتروبراس)، بنیاد پترولیوم (ب.پ) نیز عربستان و امارات متحده را برای اعطای تخفیف نفت فشار قرار دادند. شرکت هلندی داچ - شل تهدید کرد چنانچه ریاض تخفیف ندهد، این شرکت از خرید روزانه ۴۰۰ هزار بشکه نفت عربستان خودداری خواهد کرد.

امارات متحده اعلام نمود برای جبران کسری ناشی از تفاوت فاحش بهای رسمی اوپک با بازار جهانی، قیمت نفت خود را ۲۱ دلار دیگر کاهش می‌دهد. ابوتلی که ۲۹ درصد نفت ژاپن را تأمین می‌کند تخفیف‌های تازه‌ای به شرکت‌های ژاپنی اعلا کرد و به این ترتیب رقابت میان ایران و عراق و امارات متحده برای حفظ بازار نفت توجیه تشدید گردید. شرکت‌های ژاپنی که مدتی پیش میزان خرید خود را از ایران ۲۰ درصد کاهش داده و از ۲۰۰ هزار

لایحه مدارس غیر انتفاعی در ۲۲ ماده به مجلس ارایه شده بود که طی سه هفته بحث در مجلس، روز ۲۴ انعقد و تصویب نهایی گذشت. طبق ماده سوم این لایحه موسسین باید، الف، مسلمان و عامل به احکام و حسن شهرت باشند، ب، به ولایت فقیه و قانون اساسی اعتقاد و التزام عملی داشته باشند، ج، به "رژیم گذشته" و "گرومک‌های مغرور و غیر قانونی وابسته نباشند". تأمین مالی موسسه از طریق شهریه و پول دریافتی از اولیا دانش‌آموزان عملی می‌شود.

در جریان بحث و تصویب لایحه، نمایندگان مجلس نه‌بیر امون ارتجاعی بودن طرح، بلکه راه‌های جلوگیری از نفوذ جناح‌های رقیب و برخی از مخالفین مجود و سازمان‌های انقلابی سخت‌رانی کردند. هم اکنون آموزش و پرورش در تمام عرصه‌های نظامی آموزشی (فضای آموزشی، معلم، امکانات آموزشی، کتاب و...) دچار بحران شدید است. بیش از یک میلیون کودک و نوجوان واجب‌التعلیم از امکانات آموزشی محروم‌اند. در اکثر روستاهای کشور مدرسه راهمبایی وجود ندارد و بیش از ۸۰۰ هزار نفر از دانش‌آموزان راهمبایی روستائی هستند. از ۱/۲ میلیون دانش‌آموز مقطع متوسطه فقط حدود یکسده هزار نفرشان در دبیرستان‌های روستایی به تحصیل مشغول هستند و توریه بودجه چنان ناسامان است که به وزارت آموزش و پرورش فقط ۶۰ میلیارد ریال اختصاص یافته است. ۲۰ درصد همین مبلغ در تهران هزینه می‌شود و ۹ میلیون دانش‌آموز و فرهنگتکی غیر تهرانی باید سال تحصیلی را با ۴۰۰ میلیارد ریال سر آورند.

این وضع در شرایطی بر نظام آموزشی حاکم است که دولت رسماً قانوناً موظف به تأمین امکانات آموزش جهانی بوده است. حال با تاسیس مدارس غیر انتفاعی اندک امکانات موجود به سوی این مدارس جلب شده و فرودمان محرومان و زحمتکشان از راهیابی به مدرسه محروم خواهند شد.

اوپک در آستانه بحران

بهر نژولی بهای نفت خام در بازار جهانی که از هفته دوم اسفند ماه گذشته آغاز شده است، همچنان ادامه دارد. در آستانه تحویل سال ۶۷، بهای هر بشکه نفت خام نوع فاتح (ژبی) از ۱۲/۴۵ دلار به ۱۲/۵۵ دلار و بهای نفت نوع برنت دریای شمال از ۱۴/۲۰ به ۱۲/۰۹ دلار سقوط کرد و به پایین‌ترین میزان خود طی یکسال اخیر رسید.

برخی از کشورهای عضو، طی ماه گذشته برای جلوگیری از تشدید دامنه نژولی قیمت‌ها به اقداماتی دست زدند. اکوادور خواستار کاهش ۵ درصد از تولید اوپک شد و الجزایر اعلام کرد که باید برای رفه بحران اجلاس فوق‌العاده تشکیل شود. وزیر نفت ونزوئلا نیز معتقد است که قیمت پایه از ۱۸ دلار باید به ۱۶ دلار کاهش داده شود تا اوضاع تثبیت گردد. کاهش تولید و پیشنهاد تشکیل اجلاس فوق‌العاده از سوی ریلواتو لقمان وزیر نفت فیجی به ورئیس کنونی اوپک حد اقل تا ماه ژانویه آینده ردد. وی با اظهار نظر بیهامون علت اصلی سقوط بهای نفت در بازار آواد و تأثیر افزایش تولید کشورهای غیر عضو اوپک بر بازار نفت، تأکید کرد که اوپک با کاهش میزان تولید قادر به تثبیت بهای پایه نخواهد شد.



بهار فرا رسیده و شخم و کشت در روستاهای کشور آغاز شده است.

انتقال و اخراج کارگران کارخانه ارج تهران

آنها تصمیم گرفتند که ۱۲۰۰ نفر از کارگران را در چهار نوبت به کارخانجات صنایع نظامی منتقل سازند. در تاریخ ۱۰ دیماه سال ۶۶ حکم انتقال تعداد ۱۲۰ نفر از کارگران قسمت های لعاب، ابزارسازی، نقاشی، آبکاری و کنترل را صادر کردند. حکم اخراج ۵۰ نفر از کارگران که حاضر به انتقال نبودند بلافاصله صادر شد و به آنها تا آخر وقت اداری، مشاوره صادر دادند تا به انتقال به صنایع نظامی رضایت دهند. شکایت ۷ تن از این کارگران، در پیچ و خم های اداری وزارت کار عملاً مسکوت گذاشته شده است.

کارخانه ارج در نزدیکی تهران واقع است و به ساخت وسایل برقی خانگی می پردازد. تا سال ۶۴ این کارخانه در سه شیفت و با ۲۲۰۰ نفر پرسنل دایر بود. بتدریج بر اثر کمبود مواد اولیه سطح تولید آن تغزل یافت. از سال ۶۵ مسئولین کارخانه به انتقال و اخراج کارگران مبادرت ورزیدند. در آگوست سال ۶۵ قریب ۱۲۰ نفر از کارگران به صنایع مهمات سازی منتقل شدند. مسئولین کارخانه تصمیم داشتند ۴ ماه بعد از آن حدود ۴۰۰ نفر دیگر از کارگران را به صنایع نظامی انتقال دهند که با مخالفت کارگران مواجه شده و نتوانستند قصد خود را تحقق بخشند. مسئولین کارخانه در انتقال اجباری کارگران در دو مورد دیگر نیز با ناکامی روبرو شدند.

در اواخر سال گذشته مجدداً طرح انتقال کارگران در دستور مدیریت کارخانه قرار گرفت.

مدیران کارخانه ارج تا پایان سال ۶۶ علاوه بر انتقال ۵۰۰ نفر از کارگران ۴۰۰ نفر از آنان را نیز با خرید کرده اند.

قتل یک بیکار توسط گارد صنعت نفت

نفت دخالت و اقدام به تیراندازی کرد. یکی از کارگران بیکار بر اثر اصابت گلوله درجا کشته شد. بیکاران اجتماع کفنده، خشمگین وارد محوطه شده و با کندن چای کولری وارد ساختمان شده و با کاردی ها درگیر شدند که بر اثر آن دوشرف شدت و خمی شدند.

مدتی پیش جمعی از بیکاران شهر اهواز (عدداً دویله های بیکار) در مقابل ساختمان شرکت نفت اهواز در بلوار وثیقون کارمندی و چهارشیر در اعتراض به شکل استخدام کارگران قراردادی اجتماع کردند. برای برکنار کردن اجتماع اعتراضی آنان گارد صنعت

درد دانشگاه آزاد اسلامی: ۱۳۶۶ تومان شهریه اولیه

گرفت. رئیس دانشکده (شکرریز) از روبرو شدن با دانشجویان ابا داشت. وی دانشجویانی را که مصرانه از وی جواب می خواستند تهدید به اخراج به جرم اخلالگری کرد. پدر واحد پوششی دانشگاه آزاد نیز در همین زمینه اعتراضاتی صورت گرفت. او دانشجویان ترم ۵ پرستاری که شهریه اولیه آنان در هر ترم حدود ۶۰۰ تومان بود اینک ۱۳۶۶ تومان طلب می کنند. آنان حاضر به ثبت نام با این شهریه سرام آور نشدند. هنوز از نتیجه اعتراضات این دانشجویان گزارشی نرسیده است.

* افزایش شهریه و نرخ پرداختی برای هرواحد درسی در دانشگاه آزاد اسلامی اعتراض دانشجویان رشته های علوم پایه و مهندسی را برانگیخت. شهریه ثابت از ۱۵۰۰ تومان به ۲۰۰۰ تومان و نرخ واحدهای تئوری از ۱۲۰ تومان به ۱۵۰ تومان، واحدهای عملی از ۶۰ تا ۸۰۰ تومان به ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ تومان افزایش یافت. در تاریخ ۶۶/۱۱/۱۵ دانشجویان پس از اطلاع از افزایش شهریه اقدام به اعتراض کردند. عبارت "افزایش شهریه هیچ توجیهی ندارد" بر دروازه دیوار نوشته شد و بشکل تراکت دستی پخش کردید. اعتراض جنبه کاملاً عمومی و همه گیر به خود

حضور در تظاهرات حکومتی

بیک وظیفه اداری

رژیم برای پوشاندن افتوای دم افزون و ایجاد امکان برای ادامه تبلیغات خود در زمینه در صفحه بودن همیشگی "امت" و "حمایت های مردمی"، بهر وسیله ای متوسل می شود. اجبار کارمندان دولت برای شرکت در شمایش های حکومتی از آن جمله است. متن زیر قسمتی از یک بنشنامه است که شرکت همه کارمندان پست در راهپیمایی روز ۱۲ بهمن را اجباری اعلام کرده است.

"پیرو بخشنامه شماره ۱۰۰/۴/۳۱۵۴۲ - ۱۴/۱۰/۶۶ در رابطه با شرکت کلیه کارمندان در مانور ۱۲ بهمن جاری، حضور کلیه خواهران همکار نیز در ساعت و روز مقرر جهت شرکت در مانور الزامی می باشد و کلیه خواهران بصورت یک گردان فاطمه الزهرا با مشتم محکم خود بر دهمان یاره کویان خواهم گرفت... ساعت و زمان این امر جز وقت اداری و انجام وظیفه می باشد. عدم حضور هر یک از کارکنان غیبت غیر موجه محسوب خواهند شد."

برای حفظ شیشه...

در حرکات جمعی دانش آموزان بویژه در شهر تهران، متداول شده است که دانش آموزان خواست صغی شود را به دنبال جمله "برای حفظ شیشه..." فریاد می کنند. تهدید به شکستن شیشه ها و در مواردی اجرای آن، حدی از تعرضی شدن حرکات جمعی دانش آموزان را باوتاب می دهد.

در دبیرستان و مدرسه نظر و دبیرستان راوی تهران که دانش آموزان نسبت به تعویض مدیران قبلی خود اعتراض داشتند، بهمین ترتیب واکنش نشان دادند. در بهمن ماه، دانش آموزان مدرسه نظر بخاطر اعتراض به تعویض مدیر از رفتن به کلاس خودداری کردند و با کوبیدن مغزم پا بر روی زمین علیه تعویض مدیر شعار می دادند. دانش آموزان تنها پس از حضور مدیر قبلی و شغیدن اینکه او خود استعفا داده است حاضر به حضور در کلاس شدند. در دبیرستان راوی نیز وضعیت مشابهی پدید آمد.

بخشی از بیک نامه

کارگران طلبه جنگ

"... طی چندماه گذشته تورم به حد سرسام آوری رسیده است. بطور متوسط رقم تورم ۱۲۰ الی ۱۸۰ درصد است. طرح بن خوابار کارگری و کارمندی بیشتر به یک مسکن بی تاثیر شبیه است. شایعه ای هم شنیدم که قصد دارند طی سال ۶۷ این بن ها را قطع کنند و بجای آن همان مبلغ ۲۰۰۰ ریال را فقداً بپردازند. ستاد هماغذنی جنگ طی پیام ده ماده ای خواهان کمک به رومفده ها شد. یکی از کارکنان بانک ملی... می گفت بدنبال این پیام شعبه های نزدیک باؤار طی دوسه روز اول با کمبود پول مواجه می شدند، چرا که بازاریان محترم اؤترس مصادره مخارج رومفدگان کفرستیو حساب هایشان را خالی کردند. مقامات هم فوراً بطرق مختلف اعلام کردند که این کمک ها اجباری نیست ولی اؤ آنجا که زور گفتن به حقوق بگیران آسان است، ب فکر



اردبیل سر زنان و کودکان یک خانواده چوپان

علیه جنگ شهرها، برای استقرار صلح

اعتصاب غذا در فرانکفورت

خبر این اعتصاب غذا در روزنامه‌های آلمانی فرانکفورت آنگلیشه، فرانکفورت روندشاو، فرانکفورت شویه پیره با زتاب یافته است.



افشاکر، در برابر ساختمان مجل اعتصاب غذا

مبنی بر قطع معاملات تسلیحاتی شرکت‌های آلمان فدرال با ایران حمایت می‌کنیم... شرکت کنندگان در اعتصاب غذا صبح روز پنج‌شنبه ۲۴ مارس با برگزاری یک تظاهرات ایستاده علیه جنگ و شعارهای "مرگ بر خمینی" به جنگ پایان دهید، خشم و نفرت خویش را نسبت به سیاست‌های جنگ طلبانه رژیم خمینی ابراز داشتند و بر خواست‌های خود مبنی بر قطع فوری جنگ شهرها، قطع فوری صدور تسلیحات نظامی به ایران و عراق و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد پایبند شدند.

بقیه از صفحه آخر
فدرال و برلین غربی، پترشوت نویسنده مبارز و از فعالین مشهور جنبش صلح در آلمان فدرال و... از آن جمله‌اند.
در اولین خبرنامه ویژه اعتصاب غذا به فقل از پیام کورفیست‌های ایالت هسن آلمان، آمده است، "دوستان عزیز ما کورفیست‌های هسن از خواسته‌های برخی شما حمایت می‌کنیم... جنگ شهرها مانند جنگ خلیج سه تفرها ترازدی خلق‌های ایران و عراق است بکنه صلح را در جهان به خطر انداخته است... ما رسماً از خواسته‌های شما

روز جمعه ۲۱ اسفند ساعت چهار و بیست دقیقه بعد از ظهر آخرین موشک عراق پس از توافق ناهاری قطع موشک بارانها به تهران اصابت کرد. مردم چینی و نزدیک به دو روز قطع موشکباران را شاهد بودند و نزدیک بود که آتش پس را باور کنند که ساعت ۱۰ شب روز یکشنبه ۲۲ اسفند بار دیگر موشکباران تهران شروع شد. اکثر مردم این را می‌دانستند که چنین جنگ طلبی جمهوری اسلامی است که خوشبخت دیوانه وار صدام را متوجه مردم بی‌گناه و بی‌پناه ایران کرده است.

از همان روزهای نخست موشکباران تهران، آفتاب‌های که در شهرهای اطراف و حتی در شهرهای دور از تهران امکان اقامت و یا آشنا و فامیلی داشتند، تهران را ترک گفتند. خیابانها به شکل چشمگیری، خلوت و دل مرده شده است. آفتاب‌های که در طبقات پائین و یا وسطی آپارتمانهای مرتفع خانه دارند، اکثراً در تهران مانده‌اند. می‌گویند وقتی موشک به ساختمان‌های مرتفع اصابت می‌کند، قطعی دو طبقه آخر آن در معرض خطر ریزش آوار قرار می‌گیرند و طبقات میانی و پائینی مصون هستند. به همین خاطر آفتاب‌های که در طبقات میانی ساختمانهای مرتفع خانه دارند، این روزها از جمع آفتابیان و خوبشان در منزلشان پلیدی می‌کنند. آفتاب‌های که در شهرهای نزدیک تهران هستند نیز همین وضعیت را دارند.

خیابان‌های تهران خلوت است. کسی حاضر نیست حتی برای خرید عیدم که شده چند ساعت از خانواده‌اش دور باشد. در نتیجه مقارنه‌ها خلوت هستند و تقریباً بدون مشتری. از بازار شب عید چندان خبری نیست، با وجود این کاسب‌های تهران، بالای موشک را به جان خریدند و در فکر فروش اجناسی هستند که او مدت‌ها پیش برای عرضه کردن در بازار شب عید انبار کرده‌اند.

روزی ام اسفند، روز تحویل سال، اگر چه یکی دو شهرستان، مورد اصابت موشک قرار گرفت، اما تهران از حمله موشکی فارغ بود. روز اول فروردین مردم تهران از جنگ آفرودان، عیدی خود را دریافت داشتند. تهران موشکباران شده با وجود این سفره هفت سین فقیرانه‌مان گسترده بود...
مغازه‌ها...
مغازه‌ها...

بخشی از یک نامه از تهران

... روز دهم اسفند، تهران مورد اصابت موشک‌های دوربرد عراق قرار گرفت. غیر منتظره بود و تکان دهنده: به یکباره چهره تهران تغییر کرد. مردم حاضر نبودند فرزندانشان را حتی برای رفتن به مدرسه، از خودشان دور کنند. احساس ناامنی همه را مضطرب کرده بود. در همان دوسه روز اول مدارس نیمه تعطیل شد. وقتی رادیو اعلام کرد امتحان کلت دوم مدارس به تعویق افتاده، تعطیلی مدارس شکل رسمی‌تری یافت. همه خانواده‌ها سعی می‌کردند حول وحوش همدیگر باشند تا در صورت بروز خطر به کمک همدیگر بشتابند و باهم چاره‌اندیشی کنند. باید آن آم‌پاره لختی لقدمور را در هوا دید و دید که باچه سرعتی مثل باد و طوفان وزوه می‌کشد و وقتی به زمین اصابت می‌کند چه آتشی بپا می‌کند و چه دودی به هوا می‌پراکند. آنوقت است که می‌شود وحشت و اضطراب این موشک‌های لظتی را فهمید. بالای موشک آنقدر به سرعت تاوژل می‌شود که حتی فرصت خبر کردن دیگران هم نیست. حتی صدای آژیر هم به آدم کمی نمی‌تواند برساند.

از روز دهم اسفند تاکنون، همه مردم تهران خطراتش را در چند قدمی خود احساس می‌کنند و آفتوخت که آدم چنین احساسی دارد دیگر کاری از او بر نمی‌آید. آنهایی که ترس و وحشتی از مقامات ندارند، به سرکار نمی‌روند و آنهایی هم که می‌روند کاری از ایشان ساخته نیست. اکثر شرکت‌های خصوصی نیمه تعطیلند و بسیاری عملاً تعطیل. کاسب‌های تهران مجبورند چندین بلا را با هم تحمل کنند. بالای بی‌پولی مردم، بالای کمبود مشتری شب عید، بالای اصابت موشک و بالای ترس از پیگیری‌های بعدی حوژب‌اللهی‌ها در صورت بستن مغازه‌ها...
از روز بیستم اسفند، رادیو جمهوری اسلامی مرتباً اعلام می‌کرد که ما چون (مثلاً) پشردوست هستیم، پیشهاد قطع جنگ شهرها را می‌پذیریم و به گفته "امام" فقط در جبهه‌ها پاسخ عراق را می‌دهیم.

جمعه‌اوری کمک او کارمند و کارگر افتادند... در کارخانه ما هم بلافاصله نیستی از طرف انجمن اسلامی به قسمتهای مختلف داده شد که بر کردن آن اجباری بود... در قسمتهای مختلف بعضی‌ها لیست را کم کردند، بعضی‌ها اجباراً یک روز اضافه‌کاری و یک روز حقوق، را بپذیرفتند تعداد ۲۵ نفر هم اعزام به جبهه داشتیم. تعداد زیادی هم همه را خط تیره زدند.

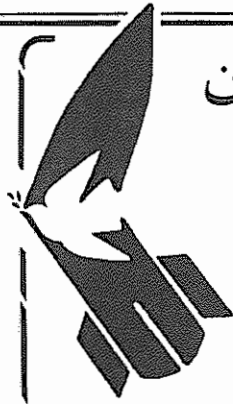
در آفرها یک اطلاعیه بی‌امضا در تابلوی اعلانات نصب شد که چهارروز از پنجشنبه‌های تعطیلی تا پایان سال ۶۶ را کارگران بپذیرند اضافه‌کاری کنند و اگر نیابند چنین و چنان می‌کنیم (چریسه و توبیخ) پس او دوساعت که کسی مسئولیت اطلاعیه را بعهده نگیرد، کافه عوض شد اطلاعیه دیگری با امضا انجمن اسلامی، شورا و امور اداری زده شد بااین مضمون، "بجالت استقبال بی‌نظیر کارگران از اضافه‌کاری برای جبهه‌ها، روزهای... برای اضافه‌کاری تعیین شده است." بچه‌ها ناراحت و خشمگین شروع به جمع‌آوری طومار کردند که حدود ۸۰۰ کارگر از قسمتهای مختلف (ماشین‌سازی، ریخته‌گری، لوله‌سازی، آهنگری و...) آفرا امضا کردند. در طومار نوشته شده بود که حتی به گفته رسمی مسئولان مملکتی اضافه‌کاری اجباری نیست. طومار برای انجمن اسلامی هم فرستاده شد. بدنیال این اعتراض، روز قبل از تعطیلی این اطلاعیه به تابلوی اعلانات چسبانده شد.

"بجالت تعمیرات برق اضافه‌کاری، فردا لغو می‌شود و روزهای دیگر را نیز متعاقباً اعلام می‌داریم."

چند روز بعد جبردار شدیم که کمیته‌ای برای باری به مدیریت و شورای فرمایشی تشکیل شده است و اسمش را "کمیته بیکاری" گذاشته‌اند و وظیفه‌اش این است که برخی کارگران را که (به علل متفاوت) از طرف سرپرستی به این کمیته معرفی می‌شوند به قسمت تعمیرات تراشی برای بیکاری بفرستد. مساله اصلی‌شان هم این بود که در قسمت شمیار تراشی آمار تولید از ۷۰ عدد به ۱۲۰ عدد افزایش یابد. برخی کارگران بخاطر رعب و وحشت و ناآگاهی به این کارتن دادند اما تعداد بسیاری مقاومت کردند که عده‌ای چریسه و تعدادی نیز اخراج شدند."

سوئد

تظاهرات سراسری ایرانیان
در خارج از کشور
علیه موشک باران شهرها
علیه جنگ



* ساعت ۴ به از ۱۸ دقیقه ۱۸ اسفند برابر با ۸ مارس جمعی از پناهندهگان ایرانی مقیم شهر لاکسو در اعتراض به ادامه جنگ ایران و عراق و در جدید حملات موشکی به مناطق مسکونی دو کشور دست به یک راهپیمایی زدند.

راهپیمایان با حمل پلاکاردهایی مؤین به شعارها، ضد جنگ و فریاد مرگ بر خمینی، زنده باد صلح، مرگ بر جنگ و... خواستار اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل، قله صدور اسلحه به ایران و استقرار صلح میان ایران و عراق شدند.

در پایان راهپیمایی، شرکت کنندگان در آن با گردمایی در مرکز شهر به قطعنامه ای که برخواست قله جنگ شهرها و برقراری آتش بس و صلح بین طرفین درگیر تاکید داشت، گوش فرادادند.

مسئول اتحادیه کارگری شهر، نماینده کلیسا، شهر، شهردار، مسئولین کمون، مدارس و کمپ پناهندهگان با شرکت در راهپیمایی و با ارسال پیام همبستگی خود را با راهپیمایان اعلام داشتند. در این راهپیمایی بیش از ۱۵۰ نفر شرکت کرده بودند.

* حدود ۱۰۰ تن از ایرانیان مقیم استرگوتلند (یکی از ایالت ها، سوئد)، در تاریخ ۲۲ اسفند (۱۲ مارس) با برپایی یک تظاهرات ضد جنگ در شهر لین شویینگ خواهان قله فوری جنگ شهرها و خاتمه جنگ جنایتکارانه رژیم های خمینی و صدام شدند. این تظاهرات که با همکاری انجمن فرهنگی لین شویینگ و انجمن ایرانیان نورشویینگ برگزار شد مورد توجه شهروندان سوئدی قرار گرفت. در قطعنامه پایانی این تظاهرات آمده است، "این جنگ جنون آمیز باید

بر خمینی، زنده باد صلح، زنده باد آزادی، و چند شعار دیگر خواستار قله موشک باران شهرها و خاتمه جنگ شدند. در پایان این تظاهرات قطعنامه ای قرائت گردید که در آن بر خواست استقرار صلح میان ایران و عراق تاکید شده بود.

* صبح روز یکشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۶۷ مارس محوطه مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در شهر مونیخ محل تجمع بیش از ۱۰۰ تن از ایرانیان صلحدوست بود که در میانشان تنی چند از شهروندان آلمانی نیز به چشم می خورد. اجتماع کنندگان با

هر چه زودتر پایان پذیرد... ما از شهروندان سوئدی می خواهیم که صدای اعتراض خود را هنگام با مردم کشورهای ایران و عراق به گوش مجامع بین المللی برسانند.

* به گزارش روزنامه سوئدی "دالامکراتها" مورخ ۱۶ مارس (۲۶ اسفند)، اوسوی تعدادی از ایرانیان مقیم شهر بولنگه، تظاهراتی علیه ادامه جنگ، تظاهراتی از ایرانیان صورت گرفت. این تظاهرات که در یکی از مراکز شهر برگزار شد با حمایت جمعی از شهروندان سوئدی، ساکن بولنگه مواجه گردید.



مونیخ - آلمان فدرال

در دست داشتن پلاکاردهای مصور و پرده های حاوی شعارهایی مبنی بر محکوم کردن سیاست ادامه جنگ، مخالفت با ارسال اسلحه به دو کشور سرکشی رژیم جمهوری اسلامی توجه عابرین راه خود جلب کردند.

در مجتدل این حرکت اعتراضی چندتن از مزدوران کنسولگری دریا لکن ساختمان آن ظاهر شده و به جمعیت هتاکي كردند اما هتاکي های جنون آمیز آنان در طغیان رای شعارهایی چون "مرگ بر خمینی"، "جمهوری اسلامی، جمهوری خیانت"، "جمهوری جنایت"، "جنگ مورد نفرت ماست - صلح خواست مردم ماست" و... محوشد.

* در ساعت ۲ بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۹ اسفند (۹ مارس) گروهی از ایرانیان مقیم مونیخ و شهرهای کوشفلد و وارندورف که به دعوت "جمعی از دانشجویان و پناهندهگان سیاسی ایرانی مقیم مونیخ" در یکی از مراکز شهر مونیخ گرد آمده بودند، دست به یک تظاهرات اعتراضی علیه جنگ شهرها و سیاست ادامه جنگ زدند.

شرکت کنندگان در این تظاهرات که تعدادی آلمانی و فلسطینی نیز با آنان همراهی می کردند، خواهان قله جنگ شهرها،



لاکسو - سوئد

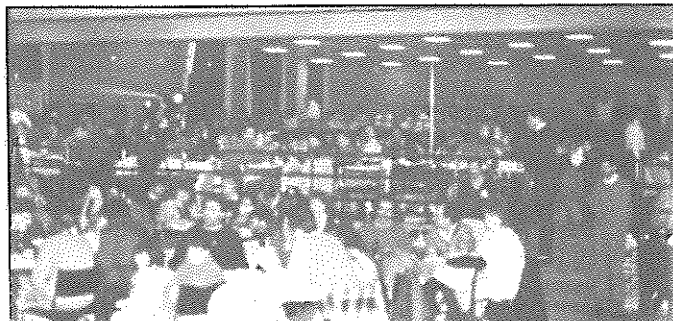
آلمان فدرال

* روز ۲۱ اسفند (۱۱ مارس) به دعوت کمیته ضد جنگ خلیج تظاهراتی در شهر هامبورگ برگزار شد که در آن حدود ۲۰۰ نفر شرکت کرده بودند. خبر این تظاهرات در روزنامه های تاتس، اوست و... درج گردید و گزارشگر یک رادیوی محلی شهر کیل نیز با تعدادی از شرکت کنندگان در آن به گفتگو حول مساله جنگ ایران و عراق پرداخت.

این تظاهرات از مرکز شهر شروع و تا نزدیکی دانشگاه ادامه یافت. تظاهر کنندگان با فریاد مرگ



بورلنگه - سوئد



در شماره‌های پیشین نشریه اکثریت گزارش برپائی مراسم بزرگداشت ۱۹ بهمن در شهرهای مختلف جهان باوْتاب یافت. از برپائی این مراسم در تَاجَرِک و کُشور، همپخان گزارش‌های تاوَه‌ای بدست ما می‌رسد، از بلژیک، هَندوستان، دانمارک (کیفهاک)، آمریکا (شیکاگو) برلین غربی و... عکس بالا صفحه‌ای از این مراسم را در کیفهاک نشان می‌دهد.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

از رهبران جنبش توده‌ای مردم بوده‌اند که با مقاومت و اعتصاب غذای خود چشم رژیم را برانگیخته و در زندانهای رژیم تحت شکنجه قرار گرفته‌اند.

کمیته بدین جهت به شدیدترین شکل ممکن سرکوب حقوق بشر و نابودی زندگی انسانها توسط رژیم را محکوم نموده و خواهان توقف بلافاصله حکم اعدام می‌باشد. در میان این زندانیان نامهای زیر به چشم می‌خورد، انوشیروان لطفی، رحیم اسداللهی و صد اسلامی.

سوئد

حزب کمونیست کارگری سوئد، حزب کمونیست پاراکوئه - سوئد، حزب سوسیالیست پاکستان - سوئد و انجمن مهاجرین پاراکوئه‌ای مقیم سوئد با ارسال یک نامه اعتراضی خطاب به رئیس‌جمهور رژیم خمینی، انزجار خود را از سیاستهای جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی در قبال زندانیان سیاسی معجزه‌فدائیان اسیر ابرآو داشتند.

متن این نامه چنین است، "ما از طریق کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اطلاع یافتیم که دوتن از کادرهای برجسته سازمان از طرف حکومت شما در خطر اعدام قرار گرفته و زندگی آنها کاملاً در خطر است.

همچنین رفیق انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی سازمان که در سال ۱۹۸۲ دستگیر شده است شدیداً تحت فشار و شکنجه دائمی قرار دارد. ما شدیداً علیه حکومت شما اعتراض داریم و بنام حقوق اولیه انسانها او شما می‌خواهیم که این اعدام‌ها قطع شوند و تمامی زندانیان سیاسی آزاد گردند."

هندوستان

مرکز اتحادیه‌های کارگری هندوستان و انجمن سراسری زنان دمکرات هندوستان با صدور اعتراضیه‌ای که روشنت آن برای خمینی، وزیر دادگستری، سفیر جمهوری اسلامی در هند و شیو دیبرکل سازمان ملل ارسال گردید، پیگرد، دستگیری و شکنجه انقلابیون ایران را قویاً محکوم نمودند و به دفاع او زندانیان سیاسی ایران برخاستند. در بخشی از این اعتراضیه چنین می‌خوانیم،

"این افراد (زندانیان سیاسی) شامل انقلابیون بزرگی چون انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، صد اسلامی و رحیم اسداللهی... می‌باشند. مرکز اتحادیه‌های کارگری هندوستان و انجمن سراسری زنان دمکرات هندوستان در این اعتراضیه "خواهان آزادی فوری همه زندانیان سیاسی و لغو حکم اعدام رهبران سیاسی و خواهان برقراری صلح و دمکراسی و رعایت حقوق بشر در ایران" شده‌اند.

دانمارک

کمیته همبستگی برای صلح و دمکراسی در ایران و عراق طی یک نامه اعتراضی به سردمداران رژیم خمینی شکایتی خود را از خبر صدور حکم اعدام برای قریب ۷۰ نفر از زندانیان سیاسی ایران را اعلام داشته و انزجار خود را از ارتکاب به این عمل بیان کرده است. در بخشی از نامه این کمیته آمده است، "بخش بزرگی از این زندانیان

عراق

- اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت - حمایت فعال مجامع و محافل بین‌المللی بویژه دفتر پناهندگان سازمان ملل از سربازان و جوانانی که حاضر نیستند گوشت دم‌توپ رژیم‌های ایران و عراق باشند.

کانون پناهندگان همچنین با انتشار نامه سرکشاده‌ای به دبیرکل سازمان ملل از وی خواست تا اقدامات ضروری در جهت قطع فوری و بلادرنگ حملات موشکی و بمباران مناطق مسکونی از طرف دو رژیم بعمل آورد.

دو روز قبل از برقراری این تظاهرات، تظاهرات مشابهی به ابتکار شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی برپا شده بود که پناهندگان شرکت کننده در آن نیز خواهان استقرار صلح میان ایران و عراق بودند.

دانمارک

در روز چهارشنبه ۱۹ اسفند ۹۱ (مارس) میدان شهرداری کیفهاک صفحه گردهمایی گروهی از ایرانیان صلح‌دوست بود که با شرکت در آن نفرت خود را از گسترش آتش جنگ ابرآو داشتند.

شرکت کنندگان در گردهمایی سپس در دسته‌های منظم با شعارهای "مرگ بر خمینی و صدام"، "صلح، صلح، آزادی - صلح، صلح، استقلال" تا دفتر هواپیمایی عراق و از آنجا به سوی سفارت جمهوری اسلامی در کیفهاک حرکت کردند.

در مقابل سفارت هنگامی که مزدوران دیپلماتیک رژیم خمینی اقدام به عکس گرفتن از تظاهر کنندگان کردند، فریاد "مرگ بر خمینی" آنها به اوج خود رسید. این تظاهرات با فراشت یک قطعنامه به دو زبان دانمارکی و فارسی پایان یافت.

گروهی از اعضای انجمن افشوجیان عراقی و حزب سوسیالیست‌های چپ دانمارک نیز در این تظاهرات شرکت داشتند.



گراچی سپاهستان

خاتمه جنگ ایران و عراق، تحریم تسلیحاتی ایران و عراق و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بودند. خبر این تظاهرات همراه با چاپ عکس از راهپیمایان در روزنامه "موشتر" باوْتاب یافت.

* در تاریخ ۲۹ اسفند (۱۹ مارس) تعدادی از نمایانهای مرکزی شهر یادربور، شاهد تظاهرات اعتراضی جمعی از ایرانیان صلح‌دوست و ترقیخواه مقیم این شهر بود. شرکت کنندگان در تظاهرات خواهان اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت شدند.

در فراخوانی که بدین مقاسبت به زبانهای آلمانی، فارسی و عربی در شهر بخش شد جنبش صلح آلمان فدرال به اعتراض فعال علیه بمبارانها و تدارم جنگ ایران و عراق فراخوانده شده است.

* روز جمعه ۲۷ اسفند جمعی از پناهندگان سیاسی مقیم آخن و حومه با برقراری آکسیون ایستاده‌ای دریکی از مراکز شهر که بصورت نمایش بلاقاردهمایی زمین به شعارهای ضد جنگ، پخش اعلامیه‌های آلمانی و فارسی و همچنین جمع‌آوری امضا از شهروندان آلمانی در تایید مضمون متنهای زبان آلمانی که بر اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل تاکید داشت، انزجار خود را از ادامه جنگ جنایتکارانه ایران و عراق اعلام داشتند.

پاکستان

روز ۱۷ اسفند (۸ مارس) محوطه مقابل دفتر سازمان ملل در کراچی صفحه تظاهرات تعدادی از پناهندگان ایرانی بود که به دعوت کانون پناهندگان ایرانی - کراچی گرد آمده بودند تا خشم و انزجار خود را علیه جنگ خونین و ویرانگر ایران و عراق اعلام نمایند.

شرکت کنندگان در میتینگ کانون پناهندگان ایرانی، علیه جنگ برای صلح با صدور قطعنامه‌ای خواهان اجرای خواستهای زیر شدند، قطع فوری و بدون قید و شرط جنگ - تحریم تسلیحاتی دو رژیم ایران و

نگاهی بر تحولات و رخدادهای اقتصادی کشور در سال ۶۶

حاکمیت بحران بر اقتصاد کشور

اجاره نفتکشها برای حمل نفت اواخر یک به نقاط امن خلیج فارس، دادن امتیازات و تخفیفهای ویژه، نام غریبیت بخشی از نفت صادراتی و تاثیر آن بر بهای نفت امتناع برخی کشورهای از خرید نفت ایران، عدم رعایت برخی از کشورهای اویک در قبال سهمیههای تعیین شده از سوی اجلاس دسامبر ۸۶، روند نژولی بهای نفت در سال ۶۶ و... همگی باعث آن شده که بشاید اعتراف خود مسئولین رژیم، درآمد ارزی کشور ناشی از صادرات یک بشکه نفت در سال ۶۶ نه ۱۸ دلار که چپو، حدود ۱۰ دلار گردد. بنا به گزارش برخی اوسانههای بین المللی، بهای نفت در آخرین روزههای سال ۶۶ عملاً، رها، به نوبه ۱۳ دلار تنزل یافته است که همین امر در کاهش بیشتر درآمد ارزی ناشی از صادرات نفت رژیم تاثیر خواهد نهاد.

بربستر این بحران ارزی و ریالی، بر جنبه‌های تبعی این بحران در اقتصاد کشور نظری بیافکنیم.

برنامه نویین اقتصادی

جمهوری اسلامی در مواجهه با دور جدید بحران ارزی و ریالی به منظور ترمیم بار اصلی این بحران بردوش و حکمتان، در سال ۶۶ "برنامه نویین اقتصادی" را در دستور کار خود قرار داد. "برنامه نویین اقتصادی" که ناظر و محید بر مجموعه سیاستهای پولی و مالی دولت جمهوری اسلامی بود، هدف تأمین نیازهای نظامی اقتصاد جهت زده و مقابله با تاندهات بحران ارزی بر زمینه نیازهای ارزی جهت رادنیبال می‌د. موسوی قمیست وزیر رژیم در دیماه سال ۶۶، رسا اعلام کرد که این برنامه، دیاله بوده و با پایان سال ۶۶، خاتمه خواهد یافت. "برنامه نویین اقتصادی" برینج محور وزیر استوار بود.

۱- چند

بهترین حالت، بهطور متوسط و میانگین تنها موفین به تولید ۱/۴ تا ۱/۵ میلیون بشکه نفت در روز گردید. اما بحران ارزی و ریالی رژیم حتی محدود به این نماد و در اش کاهش فرخ برابر دلار در برابر سایر ارزهای قوی، بنیان، شدت یافت. برواضح است که درآمد ارزی رژیم عمدتاً به دلار نامین شده، حال آفکه کشورهای طرف قرارداد رژیم در امر واردات - آلمان قدرال، ژاپن، ترکیه، انگلستان، ایتالیا و... - با ارزهای دیگر به معامله با رژیم می‌پردانند. کاهش فرخ برابر دلار در برابر سایر ارزهای قوی، باعث کاهش جدی توان خرید - توان وارداتی - رژیم گردید. کاهش فرخ برابر دلار در سال ۶۶ در مقام مقایسه با مارک آلمان قدرال و وین ژاپن - از زمره عمده تریم، مرکز واردات ایران سه - حد ۴۰ درصد باله شد.

سال ۶۶، بحران حادث شد

در سال ۶۶، بحران اقتصادی حادث کشور، چهره ویرانگر خود را بیش از پیش نمایان ساخت، هم از ایغرو که اقتصاد کشور از کاهش درآمد ارزی رژیم در سال ۶۵ به سختی آسیب دیده بود هم از ایغرو که سیاستهای اقتصادی رژیم موسوم به "برنامه نویین اقتصادی" تاثیرات مخرب و ویرانگر خود را اساساً "در سال ۶۶" بر جای نهاد. گرچه بهای نفت در بی نشست دسامبر سال ۸۶ اویک تا حد ۱۸ دلار باوای غربشکه افزایش یافته بود، ولی همین افزایش نسبی بهای نفت نیز نمی‌توانست به لحاظ عملی در کاهش و تخفیف بحران ارزی و ریالی کشور نقش اساسی و ویژه ای ایفا کند. از یکسو رژیم همچنان توانائی صادرات نفتی مطابق با سهمیه خود را نداشت و تنها چپویش بیش از نصف سهمیه مجاز خود نفت صادر کرد و از دگرسو تقبل هزینه سنگین شرح بیمه کشتیرانی،

بقیه از صفحه اول
بحران "نیز مجبور تووینه سرانه ثروت بر اساس "عدالت اسلامی" در واقعیت امر کاملاً ناعادلانه تووینه می‌گردد با این تفاوت که ز صحتشان و حقوق بگیران ثابت که از تووینه ثروت فصیب چفدائی نمی‌برند، در عرصه "تووینه سرانه" بحران اقتصادی، بیشترین سهم به آفان تعلق می‌گیرد. چنانکه گفته شد، بحران اقتصادی کشور در سال ۶۶ در قیاس با سالیان پیش از آن حادث گردید، حدت این بحران در سال ۶۶، از یکسو محصول تحولات اقتصادی سال ۶۵ و از سوی دیگر محصول سیاستهای اقتصادی بود که دولت جمهوری اسلامی تحت عنوان "برنامه نویین اقتصادی" به مورد اجرا آفاده بود. از اینرو نتایج هر چند به اختصار به این دو وجه عمومی تاثیر گذار در حدت و شدت بحران سال ۶۶، از اهمیت ویژه برخوردار است.

بحران ارزی و ریالی

همه دست اندرکاران و تحلیل‌گران اوضاع اقتصادی کشور در حدت بی‌سابقه بحران در سال ۶۶، اتفاق نظر دارند. ریشه‌های حدت این بحران اقتصادی (نه ریشه‌های رخ نمود این بحران) بر بستر اقتصاد "پترودلار" نه به سال ۶۶ نه به سالها پیش از آن برمی‌گردد. در واقعیت امر در اواخر سال ۶۲ و بدنیبال حوادث مارس سال ۸۲ - اجلاس اویک - روند رده کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی رخ نمود. کاهش بهای نفت از ۲۴ دلار باوای، هر بشکه به ۲۹ دلار که در اجلاس مارس ۸۲ اویک و مطابق با اوضاع بین المللی تصویب شده بود، از آن هنگام روندی نژولی را دنبال کرد و در سال ۶۵ به حقیقت خود رسید. بنابه اعتراف بهوژاد فبوی وزیر صنایع سنگین رژیم با احتساب، و در نظر گرفت هزینه‌های حمل و نقل و فرج سنگین بیمه کشتیرانی در آبهای خلیج و همچنین تنهقیقیهای ویژه ای، که دولت جمهوری اسلامی برای جلب مشتری قائل می‌شود، درآمد ارزی رژیم از صادرات یک بشکه نفت در سال ۶۵ به زیر ۶ دلار سقوط کرد. این بدین معنا بود که درآمد ارزی رژیم از ۲۲ میلیارد دلار در سال ۶۲ - ۶۱ به حدود ۵ میلیارد دلار در سال ۶۵ کاهش یافت و با در واقعیت امر سقوط کرد. این کاهش یکباره درآمد ارزی کشور، نشانی از بحران حدت ارزی اقتصاد کشور بود که تاثیرات سنگینی بر اقتصاد کلان و جرد کشور و بر وضعیت درآمد مردم داشته و دارد. کاهش یکباره درآمد ارزی کشور، که ناشی از کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی بود، برای اقتصاد تک محصولی کشور زمین لرزه ای سهمگین محسوب می‌شود، چرا که ۹۵ درصد درآمد ارزی کشور محصول صادرات نفت بود. و بالغ بر ۸۰ تا ۹۰ درصد کل فعل و افعیالات اقتصاد کشور - مستقیم و یا غیر مستقیم - به درآمد ارزی ناشی از صادرات نفت بستگی دارد.

بحران ریالی کشور (که بستگی کامل به بحران ارزی دارد) خود را عمدتاً در کسری بودجه هنگفت دولتی نشان داد. اما حدت بحران ارزی و ریالی تنها به کاهش بهای نفت محدود نشاند، بلکه سراسر سال ۶۶، بدنیبال حملات هوایی عراق به تاسیسات نفتی و پایانه‌ها و مبادی صادراتی نفت کشور و از جمله خارک، توان صادرات نفتی کشور شیو تنزل یافت و جمهوری اسلامی هر کژ در سال ۶۶ قادر نشد مطابق سهمیه تعیین شده اش از سوی اویک نفت تولید کند. بنابه نظر کارشناسان بین المللی و حتی اعترافات خود مسئولین رژیم، جمهوری اسلامی در سال ۶۶، در



بیکاری پنهان و درآمادهای رسمی انبوه دستفروشان را چو و شاعابین محسوب می‌کنند!

مالیات‌ها

رژیم از اوایل سال ۶۵ به نحوی جدید به سیاست جدید مالیاتی روی آورد و این سیاست در سال ۶۶ نیز بطور همه جانبه پی گرفته شد. رژیم برای تخفیف بحران ریالی خود و کاهش کسری بودجه هفتگفت دولتی کوشید تا با غارت اموال مردم و دریافت مالیاتهای متنوع ستون درآمدهای خود را برقرار کند. میزان مالیاتهای دریافتی رژیم در سال ۶۶، بیش از ۷ برابر سال ۵۹ بود. باتوجه به بستگی درآمدهای مالیاتی با درآمدهای نفتی کشور، مشخص می‌شود که افزایش درآمدهای مالیاتی در شرایط کاهش سنگینی درآمدهای نفتی، خود بازتابگر چه میزانی از بحران اقتصادی بوده است. سیاست مالیاتی جدید رژیم که در اواخر سال ۶۶، لایحه آن به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، اساساً به زیان توده‌های مردم

ناگزیر آن چیزی را مصرف می‌کنند که بدست می‌آورند. محور دیگر برنامه نوین اقتصادی رژیم، تداوم تولید و اصلاح ساختار تولید صنعتی بود. در سال ۶۶، چرخهای صنعتی کشور در اثر کاربست همین برنامه نوین اقتصادی ضربات و لطامات جدیدی دریافت کردند. چرخهای برخی از صنایع و واحدهای صنعتی از گردش باز ماندند و آهنگ حرکت برخی دیگر به شدت کاهش یافت. رژیم از تخصیص ارز مورد نیاز صنایع کشور امتناع ورزید. این در حالی است که صنایع کشور بین ۵۰ تا ۸۰ درصد در عرصه مواد اولیه و قطعات و لوازم یدکی به ارز بستگی دارند. بودجه ارزی وزارت صنایع سنگین و وزارت صنایع چوب سال ۶۵ به شدت کاهش یافت. چشیدگی معاون اقتصادی و بازرگانی وزارت صنایع اعلام کرده بود که ارز مورد نیاز وزارت صنایع که ۸۰ درصد واحدهای

۱- از نویت بخشیدن به کشاورزی،
۲- تغییر الگوی مصرف
۳- تداوم تولید و اصلاح ساختار تولید صنعتی
۴- تامین مایحتاج عمومی
رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر محورهای فوق‌الذکر، روی آوردن به سیاست جدید مالیاتی و صرفه‌جویی اکید در امر تخصیص ارز را نیز در چارچوب برنامه نوین اقتصادی مطرح و گنجانیده بود.
بر اساس این برنامه، چنگ یکی از محورهای پنجگانه برنامه نوین اقتصادی محسوب نمی‌گردید، بلکه از اولویت تمام برخوردار بود. چنگ و مسائل مربوط به آن در واقعیت امر یکی از عرصه‌های مورد توجه اقتصاد چنگ زده نیست، بلکه حاکم و مسلط بر اقتصاد کشور است. رژیم جمهوری اسلامی نیز در "عزیز داشتن" چنگ کمترین مصلحت طلبی و بده‌بوسی را روا نمی‌دارد و صراحتاً به سیاست و اقتصاد چنگی خود افتخار می‌کند. موسوی نخست‌وزیر رژیم بهنگام ارائه لایحه بودجه سال ۶۷ به مجلس شورای اسلامی، رسماً اعلام کرد: "می‌توان به چرات و با افتخار ادعا نمود که جای پای چنگ را در تمامی تصمیمات دولت می‌توان مشاهده کرد." (رساله ۷- دیماه ۶۶) و این واقعیتی است که جای پای چنگ بر همه تصمیمات اقتصادی کشور قابل مشاهده است.



چنگ چاپیسی
برای تولید
باقی نمی‌گذارد
هر چیز را ویرانه
می‌کند. اقتصاد
کشور در هم شکسته
شده است.

رژیم در سال ۶۶، بخش اعظم درآمد ارزی کشور را صرف خرید چنگ افزار و تجهیزات نظامی کرد. رژیم بخابه اعتراف رسمی خود، در سال ۶۶، ۴۸ درصد از کل میزبده‌های بودجه عمومی و ۵۲ درصد از کل اعتبارات جاری دولت را به امر چنگ اختصاص داد. بخش قابل ملاحظه‌ای از بودجه عمرانی کشور در واقعیت امر نیز، صرف چنگ و امور نظامی شد. کرچه رژیم از افزایش ارقام واقعی مربوط به سهم چنگ و ویرانی در بودجه عمرانی و آبادانی تن می‌زند ولی کارکرد رژیم در دوساله گذشته، خود بهترین شاهد این موضوع است. همین چندی پیش مسئولین رژیم فاش ساختند که از ۲۸ طرح عمرانی که می‌بایست طی دوسال گذشته اجرا می‌شد، تنها ۵ طرح آنهم با یکسال تاخیر به اتمام خواهند رسید.

تغذیم شده است. مقایسه میزان مالیاتهای دریافتی با نقدینگی بخش خصوصی، به خوبی نشان می‌دهد که سنگینی بار اصلی مالیاتها بر دوش چه کسانی است. بعنوان مثال میزان مالیاتها در فاصله زمانی ۵۸ تا ۶۶ از ۲۷۰ میلیارد ریال به ۲۲۰۰ میلیارد ریال رسیده است و در همین مدت زمان نقدینگی بخش خصوصی از ۲۵۵۰ میلیارد ریال به رقم نجومی ۱۱۰۰۰ میلیارد ریال بالان شده است. این چغین است که رژیم برای حل‌برخی از مشکلات اقتصادی خود، رو به تاراج اموال خود توده‌های رنجبر آورده است و زران و زان خود در پناه رژیم و با استفاده از "عدالت اسلامی" پول‌های هفتگفت به جیب می‌زنند.

صنعتی کشور را تحت پوشش دارد، و در شرایط معلوب بیش از ۵۰ میلیارد دلار است، در سال جاری، سال ۶۵- به یک‌ششم ارز مورد نیاز تغول کرده است. بودجه وزارت صنایع سنگین به یک دهم کاهش یافته بود. کاهش بودجه وزارت صنایع و صنایع سنگین در سال ۶۵، و در واقعیت امر در آغاز "برنامه نوین اقتصادی" تاثیرات مخرب خود را در سال ۶۶ و در پایان موعد اعلام شده "برنامه نوین اقتصادی" نشان داد. وضعیت تخصیص ارز در سال ۶۶ نیز در همان سطح سال ۶۵ باقی ماند و عملاً تنها یک هفتم ارز مورد نیاز صنایع در مقایسه با سال ۶۴ تامین گردید.

توجه رژیم به امر کشاورزی نیز تماماً محصول این موضوع است که کشاورزی در مقام مقایسه با سایر عرصه‌های اقتصاد، از نیاز ارزی کمتری برخوردار است و نه تنها به لحاظ صرفه‌جویی ارزی، برای رژیم عائق توجه به این عرصه مقرون به صرفه است، بلکه رژیم از طریق صادرات کالاهای کشاورزی می‌کوشد تا ارز بیشتری تحصیل بنماید. ارزی که باید در دهان اژدهای سیرناشدنی چنگ ریخته شود. تمام "توجه اکید" رژیم جمهوری اسلامی به امر کشاورزی و تبلیغات وسیع و چاروچنگال تبلیغی بی‌امون آن، در انتهای کار تنها به افزایش به درصدی بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی منجر گردید که حتی همین افزایش ناچیز را باید بادر نظر گرفت شرح رشد جمعیت و کاهش نقش صنایع، معادن و نفت در تولید ناخالص ملی مورد ارزیابی قرار داد.

برنامه نوین اقتصادی بطور رسمی پایان یافت. ولی بحران حاد اقتصادی، و تاثیرات مخرب همین برنامه بر اقتصاد کشور، تورم لجام گسیخته، بیکاری گسترده، صنایع و مزارع سوخته، اقتصاد شیراوه گسیخته، دودکش‌های بلند به دود صنایع، فوج فوج دهقانان بنامه خراب در کناره‌های شهرهای بزرگ، کمبود سرسام‌آور مواد و کالاهای اساسی و نقدگی، مشکل مسکن و... بر جای مانده است. در واقعیت امر روح و محوره‌های اصلی برنامه نوین اقتصادی رژیم تحلیل شده است و همچنان در سال ۶۷ نیز از سوی رژیم دشمال خواهد شد. بحران در سال ۶۶ شدت و حدت یافت، حدت و شدت دم افزون بحران، میوه‌های تلخ دیگری با خود خواهد داشت. تنها بعنوان نمونه مسئولین رژیم اعتراف کرده‌اند که کسری بودجه سال ۶۷ بالغ بر ۱۷۰۰ میلیارد ریال است و این کسری بودجه بی‌سابقه، تاثیرات باؤم مخرب‌تری بر اقتصاد کشور خواهد داشت. موسوی نخست‌وزیر در دیماه سال گذشته اعلام کرد که اقتصاد بیمار کشور باید داروی تلخ بتوشد. و زهر را که در جان مردم می‌کنند، "داروی تلخ" نامید، و خوردن این زهر به مردم اساس روشهای اقتصادی رژیم چغینی در سال ۶۷ است.

تداوم تولید صنعتی بهیچ‌رو واقعیت نیافت و تنها آن واحدهای تولیدی توانستند تولید خود را حفظ کنند که با تغییر خط تولید خود از کالاهای صنعتی به کالاهای نظامی، عملاً از سوی "اولویت اول" چنگ بیمه شده بودند.

در سال ۶۵، در نشست مسئولان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن کشور، اعلام شده بود که کسری ۱۶ میلیارد دلاری درآمد ارزی کشور باعث کسری بودجه ۴۰ تا ۵۰ درصدی کشور خواهد شد، درآمدهای ملی بالغ بر ۲۰ درصد کاهش خواهد یافت و حدود ۲ میابون کارگر، بیکار خواهند گردید. از حرکت بازماندن و یا کاهش، آهنگ حرکت واحدهای تولیدی و صنعتی کشور منجر به بیکاری گسترده کشور گردید. تنها بنا به اعتراف خود رژیم در سال ۶۶، بیش از ۷۵ هزار کارگر اخراج شده‌اند. این در واقع پیش‌بینی روزنامه‌های دولتی در آغاز سال ۶۶ بود (۷ و ۸ اردیبهشت ماه ۶۶). اما گزارش‌های غیررسمی تعداد کارگران بیکار شده را بیش از این رقم اعلام کرده‌اند. از سوی دیگر اقتصاد کشور قوه جذب نیروهای جدید را نیز کاملاً از دست داده است. همه ساله فیم میلیون نفر به نیروی بیکار کشور، به ارتش تعلیم بیکاران ملحق می‌شوند.

در خصوص تغییر الگوی مصرف و تامین مایحتاج عمومی، نیاز چندان به توضیح و تفسیر نیست، چه کارکرد رژیم و عواقب سیاستهای اقتصادی دولت، تورم لجام گسیخته و غیرقابل بار، بیکاری گسترده، حلقه سطح درآمد حقوق‌بگیران ثابت، عملاً خود به تغییر الگوی مصرف منجر شده است و مردم کشور بر بستر کمبود مایحتاج عمومی که عملاً زیرسایه سیاست تامین مایحتاج عمومی شدت بیشتری یافت، اصولاً با صرف هزینه‌های کثافات و ریچ فراوان،

بازار گرم کلاشی

"استفاده از چینی و بیبراشکی که خارج از ضوابط بهداشتی تولید می‌شود، خطرناک است و آثار سو" کبدی بر جای می‌گذارد. اداره نظارت بر مواد غذایی و بهداشتی استان تهران از عموم مردم کشور درخواست کرد از مصرف چینی و بیبراشکی خودداری نمایند. -"

کیهان ۱۵ آذر ۱۳۶۶
" (۶) نوع مایه ترشوبی غیر مجاز و ۲۴ نوع شامپو، غیر بهداشتی به بازار عرضه شده که مصرف آن از لحاظ بهداشتی برای مردم زیان بار است. -"

کیهان ۱۶ آذر ۶۶

متن اطلاعیه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به نقل از کیهان ۲۸ آذر ۶۶،
"طبق مدارک و اطلاعات تایید شده، متأسفانه از سوی موسسه ای به نام حوزه علمیه امام محمد باقر (ع) "حوزه علمیه باقریه" در شیراز تحت عنوان تربیت نیروی پزشکی از طریق ثبت نام از تعداد، داوطلب به نام دانشجوی پزشکی با اخذ شهریه ثبت نام شده است... این عمل غیر قانونی موسسه نام برده که با سلامتی جامعه در ارتباط است هیچگونه مجوز قانونی ندارد."

آماري از کار و رنج کودکان در جهان سرمایه داری



دستفروشان خردسال در کلمبیا

برخی کودکان را از کشورهای جهان سومی ربایند و در اروپای غربی و آمریکا می‌فروشند. قیمت یک شوزاد در نیابند ۵۰ دلار و در "جهان متمدن" ۲۰ هزار دلار است. تنها در پاریس ۵ هزار نوجوان که سستان کمتر از سن قانونی است، به فحشا اشتغال دارند. طی ده سال گذشته بیش از ۶ هزار دختر جوان از نیابند ربوده شده‌اند. اغلب آنها را به مالزی می‌برند و می‌فروشند. قیمت هر دختر تک، ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ دلار است.

طبق برآورد سازمان بین‌المللی کار حداقل ۱۰۰ میلیون کودک (و بنگاه به برخی تخمین‌ها تا دو برابر این شمار، در سنین ۵ تا ۱۵ سالگی در کشورهای جهان سوم شاجار به کار مستمر برای تأمین بخشی از درآمد خانواده‌اند. مشاغلی که کودکان دارند و تا ۵۰ ساعت در هفته عمر خود را در آن می‌گذرانند عبارتند از فوکری و کلکیتی، کار در معادن و مزارع و یادستفروشی. هزاران کودک سالیانه توسط فروشندگان برده، به روسی خانه‌ها و سایر مراکز فحشا فروخته می‌شوند.

حکایتی از

مثله کردن آثار ادبی

وزارت ارشاد اسلامی رژیم، در سال ۱۳۶۴ (جولای) نخستین چاپ جدید کتاب "جای خالی سلوچ" اثر محمود دولت آبادی را گرفت. بهانه این اقدام، "داشتن مطالب مستهجن و دور از نزاکت و خلافت و اخلاق عمومی" اعلام شد. در چاپ جدید که بالاخره در سال ۱۳۶۵ اجازه انتشار آن صادر شد، بخشی از کتاب حذف شده است. خبر این سانسور در شماره ۲۰ مجله آدینه چاپ تهران آمده است.

اعتراف به تعفن

"مردم توجه دارند که بنیادها، شرکت‌ها و تعاونی‌هایی که با سو" استفاده از امکانات عمومی به منظور تأمین قدرت اقتصادی، برای کسب قدرت سیاسی بوجود آمده، به وسیله به کسانی تاسیس شده است. ما قصد نداریم نیش قبر کنیم و الا قهرمایی نیش خواهد شد که تعفن آنها غوغا سالاران را دچار سرگیجه و ناراحتی خواهد نمود."

زواره؛ عضو مجلس رژیم
- به نقل از رسالت اول اسفند ماه

احمد شاملو



بی‌تاب‌ترین گرسنگان را
برخوانچه‌های رنگین کمان
ضیافت می‌کردیم.

□ □ □

هنوز آسمان از انعکاس هلهله ستایش ما
(که بی‌ادعایتر کسانیم)
سنگین است.

این آتشبازی بی‌دریغ
چراغان حرمت کیست؟

لیکن خدای را
با من بگویی کجا شد آن قصر پرنگار بائین
که کنون
مرا

□ □ □

کجایی تو؟
که ام من؟
و جغرافیای ما
کجاست؟

زندان زنده بیزاریست
و هر صبح و شام
در ویرانه‌هایش
هر گبار نفرت می‌بندند.

دزدانه
از مرزهای خاطره
می‌گریخت،
و ما را
حضور ما
کفایت بود؟

دودی که از اجاق کلبه بر نمی‌آمد
نه نشانه خاموشی دیگدان

که ناراندن شور چشمان را
کَلکی بود
پنداری.

تن از سرمستی جان تغذیه می‌کرد
چنان‌که پروانه از طراوت گل.

و ما دو

دست در انبان جادویی شاه سلیمان

کجا بود آن جهان
که کنون به خاطر هام راه بر بسته است؟ -
آتشبازی بی‌دریغ شادی و سرشاری
در نه توهای بی‌روزن آن فقر صادق.
قصری از آن دست پرنگار و بائین
که تنها
سرپناهی بود و
کلیدی و
بس.

کجا شد آن تنعم بی‌اسباب و خواسته؟

کی گذشت و کجا
آن وقعه نایابور
که ناپاره ما بردگان گردنکش را
نانخورشی نبود

چرا که لثامت هر وعده گیج
بی‌نیازی هفته‌ای بود
که گناه به‌ما می‌کشید و
گناه

کاپشه این صفحه، هم گواهی از مشکلات روزمره مردم و هم نشاندهنده اختلافات و بانداپایزهای حکومتیان در دستگاه‌های اداری است. ←

جلوه‌ای از سببیت

روزنامه کیهان در شماره ۲۷ بهمن خود خبری داده است که بازنایان جلوه دیگری از روح درنده‌خویی و سببیت حاکم بر قوانین جزایی اسلامی و عملکرد دستگاه قضایی رژیم آخوندی است. به گزارش این روزنامه، شو جوانی در سن چهارده سالگی مرتکب قتل شد. او را به "کانون اصلاح و تربیت" (وُندان افراد صغیر) فرستادند و چهارسال در آنجا ماند. آنگاه این جوان "باکسب سن قانونی در دادگاه محاکمه و به قصاص محکوم شد." در این مورد مشخص، خانواده مقتول رضایت می‌دهند و جوان مزبور "قصاص" نمی‌شود.

چه جلسه‌ای. چه بسیاری که شما را معطل کردند، مگر رسیدند شما زبردست و پانویس له بنید؟

رسالت
پنجمه دوم اسفند ۱۳۶۷
شماره ۱۱۸

آقای منجم زاده گفت: خیر آهیرا نقد و بررسی است. آمریزد گفت: آره جویم همه چیز نشد و هیچ جا نیسه نیست، همین کزیم آقا بقال خولمان همه نام معاملاتش شده نقدی و همه اسم نقد معامله می‌کند پس با این وصف و زبانه‌ها شما هم امروز نظرتون نقدی اینکار را با شما کرده. آقای منجم زاده گفت: آهیرا این نقد با نقد و نیسه فرق داره، این نقد یعنی بررسی و نظردهی. آهیرا گفت: خوب پسر شما که کارمند آنجا بودی و فردا می‌خواهید این تعصبات را اجرا کنید و به عنوان یک فرهنگی دستورن نوی کار است، نباید نظر بدیدید؟؟

آقای منجم زاده دیگر بانک حوصله‌اش داشت سر می‌رفت ولی خودش کنترول کیزد و جواب داد: جناب آمریزا این بزگواران بریندن و دوختن که دست خودتون بود، خوب دیگه چه می‌نود کرد وقتی که بعضی‌ها اعتقاداتشان بر این است که نظردهی و بیان عقیده مثل یک باور چای است که می‌خواهند به جای دیگر وصله بیه کنند، سرز اول آن است که باید حتماً حدیثک باشد و اگر احتمالاً پارچه حنظل باشد باید حنظل هم با آن تطبیق کند و الا به عنوان وصله نماند. حق اظهار نظر و حضور در اینگونه جلسات و سمینارها هم ندارد.

آهیرا با شنیدن این جمله ابروها را درهم کشید و گفت: ای - نظر و عقیده هم مگه مینه مثل ننگه پارچه باشد که هم باید حدیثک هم باید محفظ باسد؟ اینو دیگه من نشنیده بودم! از قدیم ضرب المثلی بود که می‌گفتند: دوست دارم، گوشت می‌گیرم که روو نیسم، حالا شده کار و زبانه‌ها شما!

نوی همین جزو بحث بود که آقا با اشاره راه رسید و گفت: آهیرا خیابان بعدی کالیس به قیمت تعاقبی بزرگ می‌گند، صفی هم جنی خلوتون، با شنیدن این حرف رویک بود حفا حافظی هم بادن برود. در حالی که به نفر بعدی می‌گفت نوبت سونگه دار تا برگردم. صف سر را جهت حضور در صف کالیس لیک کرد و گفتشیا و سندیهار و در اسفند نیمه تمام گذشت.

چند روز قبل که بصورتی گرم نفر اول صف سراسیمه به مجلس رسیدن به دم در معازره که هنوز صاحبی تشریف نیاورده بود، وقتی که سر صف رسیدم، دیدم دو سطل شکسته و سه ریشه نع به رنگهای آبی، قرمز و زرد به شبکه‌های کرکره معازره بسته شده. یک نفر هم بنده خدا که هجی با خودش نیاورده بود، دست کرده بود طرف دیوار و یک ننگه گچ از دیوار کنده و روی سکوین معازره، شکل یک آدم کشیده و زیر آن نوشته بود: (نوست محفوظه!) و استفاده هر کسی غیر از صاحب نرسیم کننده، غیره معازره و تشریح نخواهد شد! ظاهراً با این تفاسیر، بنده مقام ششم را در صف شیراز آن خود می‌دانستم. بعد از شنیدن آقای منجم زاده که یکی از کارکنان وزارت آموزش و پرورش و آدمی بسیار باصفا و صمیمی است فرار گرفتم.

و هنوز احوالپررسی و چای سلامتی ما تمام نشده بود که سروکله آهیرا پیدا شد. آهیرا با دیدن آقای منجم زاده در صف شیر، گل از گلش شکست و با صدای بلند گفت: سلام علیکم، جناب آقای منجم زاده، به به، صفا آزادی، چند روزی پدات نبود، خوب بگویم چطور شد امروز تو این ساعت، سروکله‌ات در صف شیر پیدا شده ایلا، بگویم آفتاب امروز از کدوم طرف درآمده؟ کارمند وزارت آموزش و پرورش و این ساعت صف شیر!!

آقای منجم زاده گفت: آهیرا امروز تعظیم، آهیرا با شنیدن این حرف، یگه خورد و ادامه داد: باباجون دوروز قبل برف و بخیسته‌ان بود، یک روز برف اومد همه‌ها ملاریش معطل شد، روز بعد یخبندان شد، آفادگی و دستانها معطل شد، امروز که آفتابه، دیگه شما می‌کاروند چرا معطل هستید؟ آقای منجم زاده گفت: آهیرا ما مدرسه نیسیم، نو خود و زبانه‌ها نیسیم. آهیرا گفت: دیگه چه پیسه، وز زبانه‌ها تو این روز آفتابی چرا تعظیم؟ اصلاً چه معنی داره؟ نه روز شنباده، نه روز ولادت؟ آقای منجم زاده گفتی زیاد دانست ولی نی‌نوس و جانیس هم نسود که در صف شیر بعضی چیزها با بگویند لذا بواش و نظردی خلاصه در جواب گفت: آهیرا زاری عزیز امروز وز زبانه‌ها سمینار است، به همین علت معطل است!! آهیرا دست بردن نورد، گفت: باباجون

کمک‌های مالی رسیده

۲۰۰۰۰۰۰ کرون	رفیق م - جهت کمک به نبر کز آری، جشن‌ها، سازمان آژ سوئد
۲۸۲ کت دن	غزل از کینکناک - دانمارک
۲۰۰ کتون	"آری، وایلی" دو کودک از دانمارک
۵۵۸ فرانک	برای، کمک به زندانیان سیاسی
۴۰ دلار	کمک جمعی از پارسی - فرانس
۱۵۰ دلار	"ص" از آستین نکراس - آمریکا
۵۰ دلار	شرکت کنندگان در جشن هفدهمین سالگرد بنیانگذاران سازمان - از لوس آنجلس آمریکا
۵۵ دلار	هدیه تولد آزاده از لوس آنجلس آمریکا
۲۰۰ مارک	برای پیروزی، از لوس آنجلس آمریکا
۱۰۰ مارک	م - ۱۷۲ از اس - آلمان فدرال
۱۰۰ مارک	به سازمان زحمتکشان ایران از آلمان فدرال
۶۰ مارک	به یاد تاپان از آلمان فدرال
۲۲۵ مارک	ر م برای کمک به جشن سازمان از ویرتال - آلمان فدرال
۱۰۰ مارک	تولد تاپان از آلمان فدرال
۱۰۰ مارک	برای، کمک به خانواده زندانیان سیاسی از دورتموند - آلمان فدرال
۱۲۰ دلار	نیما از برن - آلمان فدرال
	برای، کمک به خانواده زندانیان سیاسی از امارات متحده عربی

علیه جنگ، برای صلح، پیاخیزیم!

باید هرود" همبستگی خود را با رژیم فدائیان اعلام داشتند.

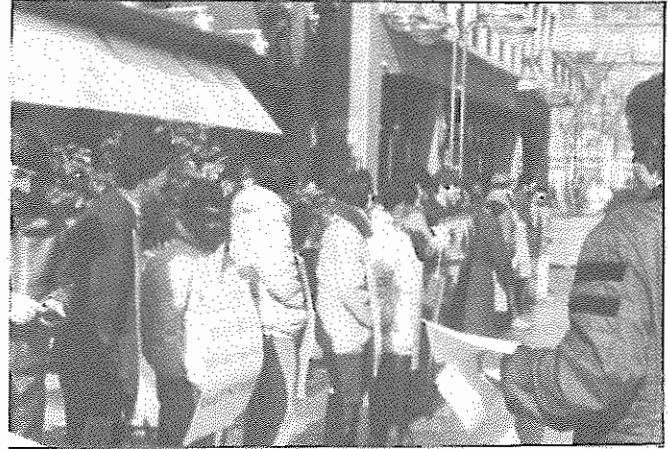
هامبورگ
روز ۱۵ اسفند، فدائیان خلق در هامبورگ با برپایی یک آکسیون اعتراضی شهروندان آلمانی را به حمایت موثر از بیکار مردم ایران و پیشاهنگان در راه برقراری صلح میان ایران و عراق دعوت کردند.

پترشوت نویسنده مترقی آلمانی با شرکت در این تظاهرات حمایت خود را از مبارزه فدائیان و سایر شیروهای مترقی و انقلابی ایران برای اجرای قتلنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل اعلام داشت. خبر این اقدام ضدجنگ در روزنامه‌های آلمانی تانس و اوتست درج شد.

در روزهای ۱۵، ۲۰، ۲۱ و ۲۲ اسفند ورودیه بازار مرکزی شهر کلن شاهد فعالیت گسترده تبلیغی فدائیان خلق در مبارزه برای صلح و علیه جنگ و موثک باران چنایتکارانه شهرهای ایران و عراق بود.

این اقدامات صلح‌خواهانه که بصورت شمایی ایستاده از طریق حمل پلاکارد، بخش هزاران اعلامیه و برپایی شمایتگاه عکس ضدجنگ و فیوز گفتگو با عابریین تهلور یافت با حمایت بسیاری از شهروندان آلمانی از مبارزات مردم ایران علیه چنایات و تبهکاری‌های رژیم خمینی مواجه گردیدند.

برخی از عابریین با بیان "خمینی



حساب بانکی
AUSTRIA WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

ادامه مذاکرات ژنودر باره افغانستان

به عربستان سعودی)، حزب اسلامی (۲) به رهبری یونس خالص و جمعیت اسلامی به رهبری برهان الدین ربانی که به "میان روی" مشهور شده است.

سه حزب دیگر (دار و دسته مجددی، "جبهه ملی اسلامی" به رهبری کیلانی و "حکمت" به سرکردگی نبی محمدی) ایجاد یک رژیم سلفظتی مشروطه را هدف قرار داده‌اند و خواهان بازگشت ظاهر شاه به افغانستانند.

این سه حزب سختی توسط روسای قبایل و آخوندان، مرتبط با فئودال‌های اشرافی رهبری می‌شوند و بیشتر به جمعیت و محفل می‌مانند تا به حزب. اما طرفداران برقراری حکومت اسلامی در احزاب مستقیم‌تری تشکیل یافته‌اند. حزب اسلامی حکمت یار به لحاظ ایدئولوژیک کمابیش یکپارچه و شدیداً متمرکز است و می‌خواهد جمهوری‌های آسیایی شوروی، را هم "آزاد" کند!

حکمت یار که مانند همه روسای دیگر ضدانقلاب بخش بزرگی از درآمد خود را از طریق خرید و فروش و تولید مواد مخدر به دست می‌آورد، از ۲۰ سال پیش با سازمان سیا آمریکا ارتباط داشته است. وی در آن زمان رهبر "انحوائن المسلمین" افغانستان بود و شخصاً در اقدامات تروریستی شرکت می‌کرد. حکمت یار در سال ۱۳۴۹ به جرم قتل یک دانشجو دستگیر شد، اما تحت فشار سفارت آمریکا آزاد گردید. وی پس از پیروزی انقلاب به پاکستان گریخت و از سال ۱۳۵۷ رهبر حزب اسلامی است.

در مناطق تحت کنترل حزب اسلامی، هیچ حزب دیگری حق فعالیت ندارد. اطرافیان حکمت یار در این مناطق از روسای سختی قبایل خنابید کرده‌اند. حکمت یار مخالف سرسخت بازگشت ظاهر شاه است و اوسوی دیگر با هر کوفه سازش با دولت افغانستان شیدا مخالفت می‌ورزد. رقبای حکمت یار در ائتلاف هفت‌گانه می‌گویند حزب اسلامی همراه با پلیس پاکستان کنترل اردوهای آوارگان را در دست دارد و حتی در خاک پاکستان زندان‌هایی ایجاد کرده است که در آن اعدام هم صورت می‌گیرد.

شعارهای ضد آمریکایی حکمت یار باعث آن نشده است که آمریکا از گروه او حمایت نکند. حتی به نوشته مجامع غربی، بخش اعظم کمک‌های آمریکا به دست دارودسته حکمت یار می‌رسد. حزب اسلامی نخستین گروهی بود که در سال گذشته موشک‌های ضد هوایی استینگر را دریافت داشت.

نیروهای دولتی پیوسته اند و ۶ هزار تن از شخصیت‌های ایوژیسیون در کمیسیون‌های مصالحه ملی فعالیت می‌کنند.

پیشبرد روند مصالحه ملی، اردوی ضدانقلاب را دچار بیم و نگرانی کرده است. اختلافات در صفوف ائتلاف هفت‌گانه پیشاور بالا گرفته‌اند. به گزارش مطبوعات غربی، تغییرات اخیر در رهبری ائتلاف بازتاب این اختلافات است. در اواسط اسفندماه، صبغت‌الله مجددی از سمت خود به عنوان رهبر "جبهه رهایی بخش ملی افغانستان" و عضو شورای ائتلاف هفت‌گانه کناره گرفت. مجددی تا پیش از اشغال ۲ هزار هکتار زمین داشت و نماینده اشراف فئودال - کلبیکال (روحانی) است. مجددی علت کناره‌گیری خود را پشتیبانی پاکستان از بغیادگران ایان اسلامی اعلام کرده است. بغیادگران ایان اسلامی توانستند "احمد شاه"، کاندیدای خود را به کرسی ریاست به اصلاح دولت در تبعید بختانند. سر مجددی تنها توانست مقام "معاون رئیس دولت" را به دست آورد.



مجددی رهبر سلطنت‌طلبان

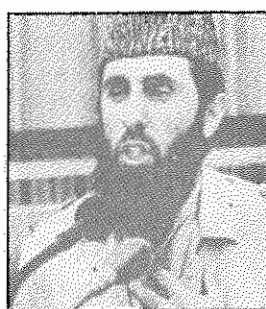
یونس خالص، که قبلاً سخنگوی ائتلاف هفت‌گانه بود، ظاهراً "به علت وضع سلامتی خود" کناره گرفت. ناظران اظهار داشتند علت واقعی کناره‌گیری، این آخوند، عدم موفقیت او در کشش بر سر اعزام یا عدم اعزام نماینده به مذاکرات ژنودر باره است. برنده این کشش‌ها، گلبدین حکمت یار بود که به سمت سخنگوی ائتلاف (مهمترین سمت) برگزیده شد.

این تحولات نشانگر دست بالا گرفتن افراطیون اسلامی است که برپا کردن رژیم مافوق رژیم خمینی را هدف قرار داده‌اند. چهار حزب از هفت حزب ائتلاف پیشاور این سیاست را دنبال می‌کنند، حزب اسلامی به رهبری حکمت یار، اتحاد اسلامی به رهبری احمد شاه (بغیادگران متعایل

افتاد، رد کرد. وی گفت البته اوضاع در کشور دشوار است و پس از خروج نیروهای شوروی نیز دشوار خواهد بود، اما "حمام خون" به راه نخواهد افتاد. کابینای افزود تاکنون نیروهای شوروی، از ۱۲ استان افغانستان خارج شده‌اند و هیچ اتفاقی نیفتاده است (افغانستان ۲۹ استان دارد).

نجم الدین کابینای در مصاحبه با "وارهایت" اظهار داشته است در مناطق شمال افغانستان اوضاع بسیار بهبود یافته و در مناطق کومستانی مرکز کشور آتش‌بس برقرار است. به گفته کابینای، ارباع در مناطق هم‌چوار پاکستان بسیار دشوار است، و این امر به دخالت خارجی بازمی‌گردد. گاه روزانه ۱۰۰ موشک به این مناطق اصابت می‌کند. این موشک‌ها که از خاک پاکستان شلیک می‌شوند و ۲۰ کیلومتر برد دارند، اغلب ساخت آمریکاستند.

کابینای در مورد سیاست مصالحه ملی گفت این سیاست مدتهاست که مورد حمایت افشار گسترده مردم قرار دارد. علاوه بر حزب دمکراتیک خلق افغانستان هم اکنون چهار حزب دیگر اجازه فعالیت یافته‌اند. این احزاب، نیروهای خرد بورژوازی، افشار روشنفکر، دهقانان و روحانیان را ضمیمه می‌کنند. در کنار این نظام چند حزبی، در اقتصاد نیز اشکال مختلف مالکیت وجود دارد. واحدهای دولتی حدود ۲۵ درصد تولید صنعتی را در



حکمت یار، سرکرده حزب الهی‌های افغانستان

برمی‌گیرند. واحدهای خصوصی و مختللاً به فعالیت خود ادامه می‌دهند و پیشه‌وران و صنعت‌کاران در اقتصاد کشور نقش مهمی برعهده دارند تاکنون ۱۲۰ هزار مهاجر به کشور بازگشته‌اند. ۴۰ هزار مخالف مسلح به

در روز پنجشنبه چهارم فروردین (۲۴ مارس) بار دیگر وزرای خارجه افغانستان و پاکستان مذاکرات غیرمستقیم خود را در ژنودر باره میانجی‌گری دبه کورکور دو روز نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد از سر گرفتند. به گفته یکی از مقامات دولت آمریکا، پاکستان دیگر اصراری بر روی کار آمدن یک دولت موقت در افغانستان پیش از آغاز بازگشت سه میلیون مهاجر افغانی به کشورشان ندارد. اما آنچه هم اکنون مورد اختلاف آمریکا و پاکستان از یک سو و اتحاد شوروی و افغانستان از سوی دیگر است، بافشاری واشنگتن و اسلام آباد بر شرط عدم دریافت کمک نظامی افغانستان از اتحاد شوروی، پس از خروج نیروهای شوروی است. به گزارش خبرگزاری‌ها، مذاکرات ادوارد شوارناداؤه وزیر خارجه شوروی، در واخنتن در هفته گذشته در این زمینه نتیجه‌ای نداشت. دبه کورکور دو روز نماینده سازمان ملل متحد در مذاکرات ژنودر باره و اتحاد شوروی و آمریکا خواسته است نمایندگان عالی‌رتبه‌ای برای شرکت در گفتگوها به ژنودر باره بفرستند.

نجم الدین کابینای، عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان در مصاحبه‌ای با روزنامه "وارهایت" ارگان حزب سوسیالیست متحد برلن غربی توضیحاتی پیرامون اوضاع جاری در کشور و مذاکرات ژنودر باره گفت چهارسده در دستور کار مذاکرات ژنودر باره دارد که موضوعات آن به ترتیب عبارتند از: عدم دخالت، تضمین‌های بین‌المللی، بازگشت مهاجران افغانی از پاکستان و برنامه زمانی فراخواندن نیروهای شوروی. درباره‌ی سندنخست اتفاق نظر حاصل شده است. در مورد زمان بندی خروج نیروهای شوروی نیویوموضه سازنده اتحاد شوروی و افغانستان به توافق پیچیده امون و خروج نیمی از این نیروها در سه ماه نخست و خروج نیم دیگر در شش ماه بعدی زمان مقرر شده انجامید. کابینای در این مصاحبه به پیش شرط‌های جدید پاکستان برای ماندگاری بر سر راه توافق در ژنودر باره اشاره کرده است.

عضو رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان تبلیغات مطبوعات غرب را که پیش‌گویی می‌کنند پس از خروج نیروهای شوروی، در افغانستان "حمام خون" به راه خواهد

ریگان در پایان ماه مه به مسکو خواهد رفت

در گفتگوهایی شواردناده با ریگان و شولتز، وزیر خارجه آمریکا، علاوه بر مذاکرات مربوط به طرح قرارداد "استارت" (قرارداد کاهش سلاحهای استراتژیک)، بحرانهای منطقه ای، به ویژه اوضاع افغانستان مورد بحث قرار گرفت. سخنگویان طرفین خاطر نشان کردند این گفتگوها به نتایج مشخصی نرسیده است و دو کشور کماکان مواضع متفاوتی در برخورد به بحرانهای منطقه ای دارند.

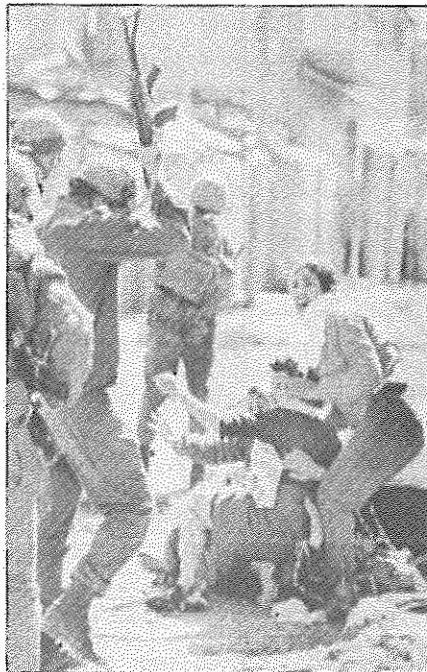
در پایان سفر هفته گذشته ادوارد شواردناده وزیر خارجه شوروی به واشنگتن، اعلام شد ریگان رئیس جمهور آمریکا از ۲۹ ماه مه تا دوم ژوئن امسال از مسکو دیدار خواهد کرد. ریگان در روز چهارشنبه ۲۲ مارس در گفتگو با خبرنگاران گفت هنوز معلوم نیست که تلی سفر وی به مسکو قرار داد، درباره کاهش ۵۰ درصدی ژرادخانه های استراتژیک دو کشور به امضا رسد. وی افزود موضوعات زیادی برای مذاکرات رهبران دو کشور وجود دارد.

آتش پس ۶۰ روزه در نیکاراگوئه

در روز پنجشنبه ۲۴ مارس مذاکراتی که در شهر کوچک ساپوئا در منطقه مرز نیکاراگوئه و کستار بیکای میان دولت نیکاراگوئه و شورشیان مورد حمایت آمریکا (کنفرا) جریان داشت به نهمین نتیجه مشخص رسید. طرفین برای قراردادی را امضا کردند که آنها را متعهد به رعایت آتش پس ۶۰ روزه ای می کند. این آتش پس از روز اول آوریل سال جاری، به مورداجر ا گذاشته خواهد شد. قرارداد ۹ ماده ای میان دو طرف پیش بینی می کند مذاکرات پس از برقراری آتش پس نیز به منظور دستیابی به صلح پایدار ادامه خواهد یافت. ترتیب پیشنهادی دولت نیکاراگوئه در پیشبرد روند صلح از این قرار است: برقراری آتش پس، به زمین گذاشتن سلاحها توسط ضد انقلابیون، بازگشت مهاجرین و شرکت موثر آنها در زندگی سیاسی کشور.

اتفاق قراردادی آتش پس در ساپوئا شکستی برای دولت ریگان محسوب می شود. دولت آمریکا در آستانه آغاز مذاکرات آتش پس ۲ هزار سرباز به هندوراس فرستاد. بهانه واشنگتن برای این اقدام تخریب آمیز و رود ادعایی نیروهای ارتش نیکاراگوئه به خاک هندوراس در تعقیب ضد انقلابیون و درخواست کمک دولت هندوراس بود. اما غیرمطلوبه ایست آمریکا، مذاکرات ساپوئا به نتیجه رسید. در روز چهارشنبه ۲۲ مارس یک سخنگوی وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد در تاریخ ۲۸ مارس ۲ هزار سرباز آمریکایی از هندوراس فراخوانده خواهند شد.

حمله هوایی اسرائیل به لبنان



صحنه دیگری از وحشیگری صهیونیست ها در مقابله با مردم فلسطین

اسرائیل طرف دو هفته گذشته دوبار به لبنان حمله هوایی کرد. صبح روز پنجشنبه ۱۷ مارس هواپیماهای اسرائیلی به روستایی در کوهها، شوق واقع در نزدیکی بیروت حمله کردند. این حمله یک کشته به جا گذاشت. در روز چهارشنبه ۲۲ مارس نیز نیروی هوایی اسرائیل به منطقه ای در شرق صیدا ایورش برد و با بمب و موشک ویرانی بسیار، به جا گذاشت این حمله به کشته شدن ۲ تن انجامید.

رابین وزیر دفاع اسرائیل در یک کمیته پارلمان اسرائیل اعلام داشت از این پس غیرنظامیان اسرائیلی اجازه خواهند داشت به روی مردم عرب مناطق اشغالی آتش بکشند. این تصمیم به قاضیست های ساکن شرک های یهودی، دشمن امکان هر نوع جنایتی را می دهد.

مفاهیم فلسطینی در مناطق اشغالی اعلام کردند از هنگام آغاز دور جدید مبارزات مردم کرانه غربی رود اردن و شوار غزه، ۱۵ هزار نفر توسط نیروهای امنیتی اسرائیل بازداشت شده اند. این متاهل افزودند در روزهای اخیر بازداشت های جمعی جدیدی در چند شهر صورت گرفته است.

برای نخستین بار پس از آغاز مبارزات اخیر خلق فلسطین در هشتم دسامبر ۱۹۸۷، یک سرباز اسرائیلی به ضرب گلوله کشته شد. قتل این سرباز هفته گذشته در بیت اللحم به وقوع پیوست.

اخبار کوتاه

* بحران در پاناما و دخالت آمریکا در امور داخلی این کشور ادامه دارد. آمریکا پرداخت عوارض کانال پاناما را که لایق قراردادهای میان دو کشور به پاناما تعلق دارد، اما تا افتتال مسئولیت اداره کانال به دولت پاناما توسط دولت آمریکا اخذ شده و سپس به پاناما پرداخت می شود، قطع کرده است. این امر، پاناما را دچار بحران مالی و اقتصادی کرده است.

* حزب فاشیستی "آرنا" به رهبری روبرتو داپوسون در انتخابات پارلمان و شهرداری های السوادور، حزب دمکرات مسیحی ناپلئون دوارته رئیس جمهور را شکست داد. حزب "آرنا" اکثریت مطلق کرسی های پارلمان و مقام شهرداران السوادور را به دست آورد. اپوزیسیون السوادور شرکت در انتخابات را تحریم کرده بود * دادستان کل ترکیه در کیفرخواست تقظیمی علیه حیدر کوتلو و نهیات سارگین رهبران حزب متحد کمونیست های ترکیه تقاضای ۵۰۲ سال زندان برای کوتلو و ۴۹۵ سال زندان برای سارگین کرد. در این کیفرخواست برای وکلای مدافعه کوتلو و سارگین تقاضای زندان شده است. کوتلو و سارگین از طریق وکیل مدافعه خود اعلام کردند این کیفرخواست را جدی نمی گیرند، چرا که بازتاب دهنده نظرات سیاسی شخص دادستان است و ارتش حقوقی ندارد.

* قام هونگ نخست وزیر ویتنام در سن ۷۵ سالگی در هاشوی درگذشت. وی از دهها سال پیش عضو رهبری حزب کمونیست ویتنام بود.

تصمیمات رهبری دولت شوروی درباره اوضاع ارمنستان و آذربایجان

کارهای جاری در میان مردم در جهت گسترش دوستی خلقها را بهبود اساسی بخشند، ریشه های وخامت اوضاع در روابط ملیت ها را تحلیل کنند و فعالانه با همه مظاهر فاشیسم و افراطیگری به مقابله بردارند. از هیئت های رئیس شورای عالی ارمنستان و آذربایجان خواسته شده است تدابیر هماهنگی برای تحکیم قانونیت سوسیالیستی، حفظ منافعه مشروع همه شهروندان از هر ملیتی و مجازات شدید عاملان بی فبائی اوضاع به مورد اجرا بگذارند. همچنین شورا، وزیران اتحاد شوروی، فراخوانده شده است تا اقداماتی برای حل مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه خودمختار قریه باغ تدوین کنند.

مصوبه هیئت رئیس، خاطر نشان می کند که دادستانی و وزارت کشور اتحاد شوروی، باید نظم عمومی و حفاظت از منافعه مشروع مردم آذربایجان را تأمین کنند.

هیئت رئیس شورای عالی اتحاد شوروی در روز چهارشنبه ۲۲ مارس اوضاع جمهوری های شوروی ارمنستان و آذربایجان را مورد بررسی قرار داد و تصمیماتی اتخاذ کرد.

در مصوبه هیئت رئیس شورای عالی اتحاد شوروی آمده است موقعیت ایجاد شده در جمهوری در ارتقا لایا رویدادهای قریه باغ نه تنها به این دو خلق، بلکه به همه خلق های شوروی به مثابه یک کشور واحد و متحد نطمه می زند. مصوبه، کوشش هایی را که برای حل مسائل ملی - ارضی از طریق اعمال فشار به قدرت دولتی و به کمک گروه های مستقل در فضایی از احساسات به عمل می آید، محکوم می کند.

رهبری دولت شوروی از پارلمان های آذربایجان و ارمنستان خواسته است بر پایه مصوبات گفتار ۲۷ ج ۱۰ ش. و فراخوان دبیرکل حزب،

علیه جنگ شهرها، برای استقرار صلح اعتصاب غذا در فرانکفورت



کمیونست آلمان، هیات رئیسه اتحادیه ضدفاشیست‌ها، آلمان، اتحادیه دانشجویان مارکسیست (ام-اس-ب)، اتحادیه سوسیالیستی مدارس عالی (اس-هاب)، سبزها-کمیته شمال (هسن) - آلمان فدرال، حزب سوسیال دمکرات آلمان-هسن، جوانان کارگر سوسیالیست آلمان - هسن، سازمان‌های کارگری کارگران ترک، یونانی، پرتغالی و اسپانیایی در آلمان فدرال، هیات اجراییه اتحادیه دانشجویان عراقی در آلمان یقیه در صفحه ۷

از روز اول فروردین (۲۱ مارس) فدائیان خلق در شهر فرانکفورت آلمان فدرال با تشکیل یک کمیته اعتصاب غذا علیه جنگ شهرها، برای اجراء آتش‌بس و استقرار بیدرتک صلح میان ایران و عراق دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

اعتصاب که تا لحظه تنظیم این گزارش ادامه یافته، با حمایت پرشور اجزای سازمان‌ها و شخصیت‌های صلحدوست و ترقی‌خواه آلمانی و خارجی روبرو شده است که حزب

در این شماره

- **تظاهرات سراسری ایرانیان در خارج از کشور**
علیه موشک باران شهرها، علیه جنگ
در صفحه ۸
- **فرا تر از جنایت: بمباران شیمیایی حلبچه**
در صفحه ۲
- **تولید سلاح‌های شیمیایی در ایران**
با کمک یک شرکت آلمانی
در صفحه ۲
- **زندانی سیاسی آزاد باید گردد!**
در صفحه ۹
- **ادامه مذاکرات ژنودر باره افغانستان**
در صفحه ۱۴

AKSARIYAT
NO. 200
MONDAY, 28 MAR, 88

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

روزشمار خونریزی و جنایت

بیت المقدس زد.
- عراق اعلام کرد که بمباران حلبچه و دریغدی خان در شمال عراق از سوی جمهوری اسلامی ۸ کشته و ۷۹ زخمی به جا نهاده است.
- جنگ شهرها اوج گرفت. ۶ موشک به سمت تهران و ۲ موشک به سمت بغداد پرتاب شد. عراق به ۶ شهر ایران حمله هوایی کرد.
- **شنبه ۲۵ اسفند (۱۵ مارس)**
- ۵ موشک دیگر به سوی تهران پرتاب شد.
- جمهوری اسلامی در ساعت ۲۲ حمله والفجر ۱۰ را با هدف به تصرف درآوردن حلبچه آغاز کرد.

- سفیر اتحاد شوروی در سازمان ملل متحد اعلام کرد قطعنامه اتحاد شوروی که در آن از جمهوری اسلامی و عراق خواسته شده بود هر چه سریعتر به جنگ شهرها خاتمه دهند با بی‌توجهی آمریکا و برخی دیگر از اعضای شورای امنیت مواجه شده و به تصویب نرسیده است.
- **چهارشنبه ۲۶ اسفند (۱۶ مارس)**

- جمهوری اسلامی اعلام کرد شهرهای خرمال، حلبچه و دوجلیه را تصرف کرده است. رژیم از کشتن هزاران سرباز عراقی سخن گفت. شهر حلبچه در ۷۰ کیلومتری جنوب شرقی سلیمانیه مرکز استان سلیمانیه قرار دارد. در زمان صلح این شهر ۷۰۰۰ نفر جمعیت داشته است.

- ۵ موشک دیگر به سمت تهران پرتاب شد. بغداد هدف ۲ موشک جمهوری اسلامی قرار گرفت. علاوه بر این جمهوری اسلامی شهرهای کرکوک، فوسه، شیب، الاماره، اربیل و فکه را هدف بمباران هوایی و آتش توپخانه قرار داد.

- **پنجشنبه ۲۷ اسفند (۱۷ مارس)**
- در این روز فاتیما شد که عراق در شهرهای حلبچه و دوجلیه بمب شیمیایی به کار برده است. جمهوری اسلامی تعداد قربانیان بمباران شیمیایی حلبچه را ۴۰۰ تا ۵۰۰ کشته و ۵۰۰ زخمی اعلام کرد. این ارقام در گزارش‌های اکثر خبرگزاری‌های بین‌المللی نیز ذکر شد.

- عراق به تصرف درآوردن حلبچه و خرمال را تأیید کرد و اعلام کرد این شهرها کاملاً تخلیه شده بوده‌اند.
- بقیه در صفحه ۲

در هفته‌های اخیر جنون جنگی دو رژیم شمیعی و صدام حسین به اوج رسیده است. روزی، نیست که اینجا و آنجا از کشته پشته ساخته نشود و ویرانی به بار نیاید. چه در ناک است که این روزها دین با کلماتی عادی از پرتاب موشک سخن می‌رود، موشکی به سمت بغداد شلیک شد، موشکی در تهران فرود آمد، هر موشک ۱۰ کشته، ۲۰ کشته، ۱۰۰ کشته است. هر موشک ۱۰ خانه و یا ۵۰ خانه ویران شده است. هر موشک دهها زندگی است. هر موشک دهها مجانس عزاست. اما جنایات از حد گذشته است و دیگر به پرتاب ۱۰ موشک نیز باید یک جمله اختصاص دهیم و نیز به قتل عام ۵۰۰۰ نفری در حلبچه.

با این تذکر، تذکری که از سردرد است، روز شمار جنگ را در دو هفته اخیر از نظر می‌گذرانیم. روز شمار کامل نیست. خبرهای خبرگزاری‌ها گاه متناقضند و گاه خبرهایی در لاپلائی انبوه رویدادها کم می‌شوند.

- **یکشنبه ۲۲ اسفند (۱۳ مارس)**
- عراق اعلام کرد که در دور جدید جنگ شهرها ۷۲۱ تن بمب و ۲۰۰ تن مواد منفجره بر روی ۲۷ شهر ایران فروریخته است.

- جنگ هفت کش‌ها بالا گرفت. جمهوری اسلامی سکوی نفتی الامیه را بمباران کرد و عراق علاوه بر حمله به "یک هدف بزرگ دریایی" (اصطلاح نفت کشها) تلمبه‌خانه امام حسن را، مورد حمله هوایی قرار داد.

- نیروهای جمهوری اسلامی در ساعت ۲ با بمباران حمله تازه‌ای را در جبهه شمالی آغاز کردند که عنوان آن تلفر ۷ بود. هدف این حمله ویر ضرب بردن شهر خرمال بود. عراق اعلام کرد این حمله را پس زده و چند هزار سرباز ایرانی را کشته است.

- عراق در ساعت ۱۰ شب دوشنبه یک موشک به سمت تهران پرتاب کرد. عراق اعلام کرد پرتاب این موشک اقدام تلافی جویانه‌ای علیه حمله زمینی جمهوری اسلامی بوده است. جنگ شهرها مجدد از سر گرفته شد.

- **دوشنبه ۲۴ اسفند (۱۴ مارس)**
- جمهوری اسلامی دست به حمله زمینی دیگر، در جبهه شمالی با عنوان

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!